

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دوره دوم - سال دوم - آذر ماه ۶۴ - قیمت ۳۰ ریال

شماره ۱۹

# فدائی

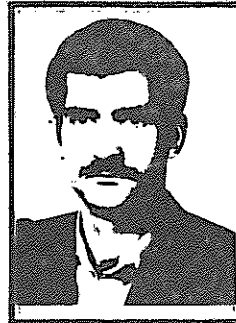
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

## گل از شاخه افتاد و بر خاک شد

اکنون که در واپسین لحظات حیات خود قرار گرفته‌ام قلمم سرشار از مهر و محبت شمامت و برای شما و همه اقوام و عزیزان و انسانهای شرافتمند می‌تپد.

## بایاد رفیق جمشید سپهوند

در صفحه ۶



## اعدامهای دستجمعی زندانیان سیاسی. رژیم را رسواتر میکند

موج اعدامهای دستجمعی و مخفیانه زندانیان سیاسی ایران از ۲ ماه پیش تا کنون در زندان اوین و سایر زندانهای رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد و هر روزه دهها تن از میان بهترین و پاکترین فرزندان این خلق ستمدیده به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند. از اواخر شهریور ماه تا کنون بیش از ۱۰۰ تن از مردان و زنان آزاده میهن، بجرم یابیندی به آرمناهای انقلابی توده‌ها، مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و رهائی توده‌ها از زیر بار سنگین ستم و اختناق رژیم جنون و جهالت اعدام شده‌اند. تنها در روزهای پانزدهم و سیام شهریور نزدیک به ۳۰ تن از زندانیان سیاسی در زندان اوین اعدام شده‌اند. حکم اعدام بسیاری دیگر از انقلابیون و مبارزین توسط بیدادگاههای رژیم صادر شده که بتدریج به اجرا گذاشته میشود.

جلادان رژیم از ترس گسترش نفرت و انزجار

بقیه در صفحه ۵

مصاحبه با رفیق علی کشتگر عضو عمیت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

## بمناسبت سالگرد رویداد تاریخی ۱۶ آذر

اعتماد طبقه کارگر و توده‌ها را به جنبش کمونیستی ایران نمی‌توان بدون وحدت رزمنده این جنبش تامین کرد. تکرار شعارهای خوبی چون "کارگران متحد شوید"، "چاره کارگران وحدت و تشکیلات است" و "پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر"، تنها وقتی ارزش دارد و مفهوم واقعی پیدا میکند که با درک عمیق ضرورت وحدت جنبش کمونیستی و تلاش صمیمانه و خستگی ناپذیر در این راه همراه گردد.

در صفحه ۲

## بیک جنگ و تاراج دو ملت

به ۱۴۰ هزار کشته، ۲۵۰ هزار زخمی و معلول و ۶۰ هزار اسیر جنگی است. همچنین تخمین زده می‌شود که نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر از جوانان و سربازان فراری، خانه و کاشانه و محل کار و زندگی خود را بناگزیر رها کرده‌اند. مردم میهن ما نیز طی این مدت، درد و رنج عمیق ۲۵۰ هزار کشته، نزدیک به ۲۰۰ هزار زخمی و معلول، ۵۰ هزار اسیر جنگی و ۲ میلیون آواره جنگی را با گوشت و استخوان خود احساس کرده‌اند. رژیم جنایتکار عراق ۲۰۰ شهر و روستای مرزی ما را در غرب و جنوب زیر آتش

در بن‌بست فرساینده جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بار سنگین همه تلفات جانی، خسارتهای اقتصادی و به یغما رفتن ثروتهای ملی بر کمره مردم ملت محروم تحمیل می‌شود. همزمان با نابودی هستی مردم ایران و عراق، سودهای هنگفت و ارقام سرسام آور پول، از یکطرف عاید سرمایه‌داران، تجار، دلالان اسلحه و مقامات دولتی و از طرف دیگر نصیب شرکتهای تسلیحاتی بین‌المللی، دولتهای امپریالیستی و باندهای بین‌المللی قاچاق و فروش اسلحه می‌شود. آنچه که از آغاز جنگ تاکنون بر سر ملت عراق آمده است نزدیک

## نیازهای رشدآنی جنبش کارگری

از اوایل سال ۶۲ بمروور دامنه جنبش کارگری وسعت پیدا کرده است. بارزترین نمونه‌های این گسترش جنبش کارگری، اعتصابات کارگران بخانیات تهران، ساسان و اعتصاب عظیم کارگران نوب آهن اصفهان هستند.

البته هنوز کارگران در سراسر ایران خواسته‌های خود را با شعارهای مطالباتی یکسان بیان نمی‌کنند. با وجود این بر زمینه شرایط غیرقابل تحمل و دشوار کار و زندگی‌شان، و با گذشت زمان و پیشرفت مبارزه و متاثر از فعالیتهای آگاه‌گرانه کمونیستها، همگرایی در طرح خواسته‌ها و شعارهای مطالباتی افزایش یافته است. اصلی‌ترین مطالبه کارگران در سیر کنونی جنبش کارگری، علیه بار سنگین بحران اقتصادی، تورم و بیکاری که بیش بقیه در صفحه ۹

## سکتاریسم راه‌کارگر و سیاستهای ائتلافی

### در این شماره:

دولت گرانفروش، دولت گرانفروشان

در صفحه ۱۷

اعتراض علیه جنایات رژیم

در صفحه ۱۷

تخریب منازل، بیخانیان مردم

در صفحه ۱۸

در بدر بد نیبال خیمام نیشابوری

در صفحه ۱۵

تنگناهای مالی رژیم و فروش ثروتهای ملی

در صفحه ۱۷

علیرغم بحران، مبارزه خلقی فلسطین تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت

در صفحه ۱۲

## در راه صلح - کار - آزادی مبارزه کنیم

مصاحبه با رفیق علی کشتگر عضو هیئت سیاسی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

## بمناسبت سالگرد

## رویداد تاریخی ۱۶ آذر

بمناسبت چهارمین سالگرد رویداد ۱۶ آذر، مصاحبه‌ای با رفیق علی کشتگر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید:

س: در آستانه سالگرد رویداد تاریخی ۱۶ آذر قرار داریم. چهار سال پس از ۱۶ آذر ۶۰، چه مسائلی را در مورد این رویداد و نتایج آن قابل تأکید می‌دانید؟

ج: ما یلیم پیش از هر چیز از رفقای بزرگی یاد کنم که در راه آرمان والای طبقه کارگر و در راه آزادی و استقلال ایران، با تمام وجود برای تحقق اهداف ۱۶ آذر بیگانه کردند و جان خود این عزیزترین هستی‌شان را به پای خلق خویش فدا کردند، تا همه ما امروز بتوانیم مصمم‌تر و امیدوارتر در این راه برزمیم. گرامی باد یاد رفیق شهید بهروز سلیمانی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان، رفیق شهید مهرداد پاکزاد عضو کمیته مرکزی سازمان و رفیق فقید ابراهیم شیبی (منوچهر) عضو کمیته مرکزی سازمان که همگی از رهبران رویداد تاریخی ۱۶ آذر بودند. گرامی باد یاد رفیق شهید جمشید سپهوند و همه کادرها و اعضای سازمان که در این راه جان خود را فدا کردند. پیروز باد رزم دلاورانه و خستگی‌ناپذیر همه فدائیان خلق در سراسر ایران و برقرار باد پرچم مقاومت حماسی همه رفقای در بندمان و همه زندانیان سیاسی میهنمان.

بله، اینک چهار سال از ۱۶ آذر ۶۰ می‌گذرد. در این مدت رویدادهای بسیاری را پشت سر گذاشته‌ایم و تجارب تلخ و شیرین فراوانی اندوخته‌ایم. رژیم جهل و جنگ و جنایت در چهار سال گذشته علیرغم ادامه سرکوب وحشیانه توده‌ها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه و با توسل به رذیله‌ترین اشکال شکنجه، کشتار و ارباب و دروغ نتوانسته است پایداری روبه گسترش مردم ایران را درهم شکند و جریان‌های انقلابی و ترقیخواه را که از متن این مقاومت ریشه می‌گیرند نابود سازد.

در این مدت فشار اختناق، جهل، غارت و استثمار بیسابقه و جنگ و خونریزی روز بروز بر گرده توده‌ها فزونی یافته و به موازات آن پرشکوهرترین حماسه‌های مقاومت خلق ما در درون زندانها و شکنجه‌گاههای بیشمار رژیم با خون بهترین فرزندان ایران، تاریخ مبارزه مردم ما را در راه آزادی و عدالت و دفاع از شرف و حیثیت و فرهنگ، هنر و سنن ترقیخواهانه ملی ایران سرفرازتر، غنی‌تر و

پرتجربه‌تر ساخته و بامداد پیروزی را نزدیکتر ساخته است.

آنچه در متن رویدادها و تحولات از ۱۶ آذر ۶۰ تا به امروز، و سالگرد این رویداد باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد آن است که زمان و پراتیک، با صدای رسا و با محکم‌ترین شواهد و دلایل، یکبار دیگر در میهن ما صحت اندیشه‌ها و عقاید انقلابی را اثبات نمود و بر همه انواع توهمات فرمیستی و ناسیونال نیهیلیستی مهر ابطال کوبید.

لب کلام آن بخش از سازمان که پس از یک دوره نسبتاً طولانی مبارزه ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی درونی بیانیه ۱۶ آذر را منتشر ساختند این بود که کمونیستهای ایران باید با درس‌گیری از تجارب گرانبهای جنبش ما، در راستای تشکیل حزبی رزمنده و دارای استقلال طبقاتی، حزبی میهن پرست و انترناسیونالیست که استقلال طلبی و میهن پرستی و آزادیخواهی مردم ایران را با روح انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی با همه رزمندگان آزادی، استقلال و عدالت در سراسر جهان پیوند زند و در راستای حزبی عمیقاً دموکراتیک با هم متحد گردند.

اما از آنجا که سیاست و پراتیک ما با مضامین پیشرفته بلافاصله منطبق نگشت و خط مشی راست‌روانه تنها با تغییراتی محدود و ناکافی تا نزدیک به دو سال ادامه یافت، مضمون عمیق رویداد ۱۶ آذر و توهوتی که به این رویداد انجامیده شده بود، به اندازه کافی و به موقع در سطح جنبش کمونیستی و جنبش خلق انعکاس نیافت.

با این وجود امروز دیگر تا حدود زیادی با دو دیدگاهی که در سالهای ۵۹ و ۶۰ در درون سازمان فدائی دو صف بندی متضاد را پدید آورد و سرانجام به رویداد ۱۶ آذر انجامید تعیین تکلیف شده است. فرمیسم، ناسیونال نیهیلیسم و نفی موازین دموکراتیک، بیش از هر زمان دیگری در جنبش زیر ضرب قرار گرفته و دستخوش انزوا است. در همین حال دیدگاهی که ضامن وحدت رزمنده و دموکراتیک این جنبش است و بر همان سه شالوده پیشرفته استوار است، در جنبش کمونیستی ایران و در اذهان کمونیستهای کشور ما رو به تعمیق است. امروز موقعیت و مواضع سازمان در سطح جنبش کمونیستی هر چه بیشتر تحکیم و تقویت شده است. این واقعیات نویدبخش وحدت آتی کمونیستهای ایران بر اساس سه شالوده ایدئولوژیک و تشکیلاتی فوق و شکل گیری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران است.

کمونیستهای ایران باید با درس‌گیری از تجارب گرانبهای جنبش ما، در راستای تشکیل حزبی رزمنده و دارای استقلال طبقاتی، حزبی میهن پرست و انترناسیونالیست که استقلال طلبی و میهن پرستی و آزادیخواهی مردم ایران را با روح انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی با همه رزمندگان آزادی، استقلال و عدالت در سراسر جهان پیوند زند و در راستای حزبی عمیقاً دموکراتیک با هم متحد گردند.

بنابراین ما امروز می‌توانیم بگوئیم که هماکنون که اعتقاد داشتیم و در بیانیه ۱۶ آذر بیان شده بود، حقانیت و اهمیت این رویداد تاریخی در چهارمین سالگرد آن توسط تاریخ تحولات چهارساله گذشته با روشنی تمام اثبات شده است.

س: پس از ۱۶ آذر ما چه سیاست و پراتیکی را باید اتخاذ می‌کردیم؟

کمیته مرکزی سازمان ما در مباحث پلنوم ششم خود این مساله را نیز جمع‌بندی نمود که در سال ۶۰، بویژه پس از حوادث خرداد ۶۰ بدینسو جمهوری اسلامی خصوصاً خمینی و پیروانش، سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی و مترقی را که از نخستین روزهای پس از انقلاب آغاز کرده بودند، به اوج خود رسانده بودند. در این شرایط رژیم بخش عظیمی از پایگاه توده‌های خود را از دست داده و توهم بخش دیگر نیز بسرعت در حال شکستن بود. بر این اساس در آن زمان شرایط جامعه برای طرح شعار سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی آماده بود و روشن است که در چنین شرایطی سیاست و پراتیک راست‌روانه گذشته چه تأثیرات و عواقبی بر جای گذاشته است. بنابراین تدارک در راستای نفی سیاست و پراتیک راست‌روانه‌ای که از سال ۵۹ بدینسو بر سازمان غلبه یافته بود و اتخاذ خط مشی انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی مهمترین وظیفه بقیه در صفحه ۳

بمناسبت سالگرد رویداد تاریخی ۱۶ آذر  
بقیه از صفحه ۲  
ما پس از ۱۶ آذر بود. وظیفه‌ای که هم شرط لازم  
برای پاسخگویی به مسأله پیوند سازمان با طبقه  
کارگر و توده‌ها و هم هموارکننده راه تقویت ثقل  
انقلابیون کمونیست و تشکیل حزب طبقه کارگر ایران  
بود.

س: چرا چنین نشد و چرا سیاست و پراتیک راست  
روانه تا نزدیک به دو سال پس از این تاریخ ادامه  
یافت؟

جواب: گزارش سیاسی بلنوم ششم کمیته مرکزی  
سازمان پاسخ این سوال را روشن ساخته است.  
مهمترین دلایل آنرا میتوان چنین جمع‌بندی کرد:

۱- تحلیل راست روانه از ماهیت و راستای حرکت  
رژیم جمهوری اسلامی، در آن زمان بر اساس این  
تحلیل نادرست حرکت می‌شد که جمهوری اسلامی  
می‌تواند در صورت غلبه بر برخی ضعفها و تنگ  
نظری‌ها اصلاحات معینی را در چارچوبه  
سرمایه‌داری انجام دهد. این تحلیل راست روانه از  
رژیم خود ناشی از آن بود که اهمیت آزادی‌ها بویژه  
آزادی توده‌ها در ایجاد تشکلهای صنفی و طبقاتی  
خود و نیز آزادی‌های سیاسی به مثابه شرط پیشرفت  
رفریمهای مترقیانه در چارچوب سرمایه‌داری  
کم‌بهایمی‌شد، که ویژگی مذهبی و به غایت ارتجاعی

مبارزه با اقدامات و حرکات ارتجاعی و ضد  
دموکراتیک این حکومتها. روشن است که این  
فرمولبندی تنها برای حکومتهای غیرپرولتری مترقی  
صادق است نه رژیم‌هایی چون جمهوری اسلامی.  
س: با توجه به نقدی که از تحلیل حاکمیت و سیاست  
و پراتیک خود در دو ساله پس از ۱۶ آذر ۶۰ داریم،  
آبائنتقادی به پراتیک سازمان در قبال نیروهای  
سیاسی داریم؟

ج: یک عنصر از سیاست و پراتیک انقلابی آن می‌بود  
که پس از ۱۶ آذر در جهت‌نزدیکی و اتحاد با همه  
نیروهای انقلابی و ترقیخواهی که علیه رژیم  
جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند، تلاش می‌کردیم.  
چنین برخوردی بر ثقل و اعتبار اپوزیسیون انقلابی  
و ترقیخواه می‌افزود. رژیم را تضعیف می‌کرد.  
زمینه‌های رشد و ادامه حیات رفرمیسم و ناسیونال  
نیهیلیسم و آن سوی دیگر سکه یعنی سکتاریسم و  
ناسیونال کمونیسم را محدود می‌کرد و راه را بر  
اتحاد و ائتلاف میان سازمان با سایر نیروهای  
انقلابی و مترقی هموار می‌ساخت. لیکن چارچوبه  
راست‌روانه سیاست و پراتیک آن زمان، عملاً تأثیرات  
خود را در رابطه سازمان با سایر نیروها منعکس  
می‌کرد. آنجا که سیاست برخی از نیروهای مترقی و  
انقلابی هر چند بطور محدود " سیاست‌های

خط‌مشی ما در قبال جنبش خلق کرده، حمایت همه جانبه از این مبارزه، تلاش در جهت پیوند بیشتر این  
مبارزه با جنبش سراسری مردم ایران و بویژه جنبش طبقه کارگر و همچنین شرکت در مبارزه مسلحانه خلق  
کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

این رژیم ضد‌مردمی و اهداف آن که با هر گونه  
تحول مثبتی در تضاد قرار داشت به اندازه کافی  
مورد توجه قرار نمی‌گرفت و مهمتر آن که پراتیک  
رژیم جمهوری اسلامی (و نه ادعاهای آن) ملاک  
تحلیل قرار نمی‌گرفت.

۲- اما تحلیل راست روانه از ماهیت و پراتیک رژیم  
تنها یک جنبه مسأله است که به هیچ روی نمی‌تواند  
برای امر درس‌گیری ما جامع باشد. جنبه مهمتر آن  
است که ما خط‌مشی اتحاد و مبارزه را که از عناصر  
دستگاه تفکر رفرمیستی بود، همچنان حفظ کردیم.  
در حالی که امروز معتقدیم بفرض هم که حکومت  
ارتجاعی مورد بحث همان ماهیتی را داشت که آن  
زمان تصور می‌رفت، باز هم سیاست و پراتیک راست  
روانه گذشته قابل توجیه نخواهد بود. چرا که  
وظیفه اصلی ما، همانگونه که گزارش سیاسی بلنوم  
ششم کمیته مرکزی سازمان تأکید کرده، تا زمانی که  
مسأله قدرت سیاسی بطور قطعی حل نشده، یعنی  
جمهوری دموکراتیک خلق مستقر نشده، همواره  
سازماندهی مبارزه صنفی و سیاسی طبقه کارگر و  
توده‌ها، بسیج رزمنده آنها، تقویت صف مستقل  
پرولتاریا در راستای تأمین هژمونی آن بر جنبش و  
حل نهائی مسأله قدرت سیاسی است. بنابراین  
وظیفه کمونیستها در زمان استقرار حتی مترقی‌ترین  
حکومتی غیرپرولتری نیز همانگونه که در گزارش  
سیاسی آمده چنین است: پیشبرد خط‌مشی مستقل  
پرولتری بمنظور بسیج مستقل کارگران و توده‌ها؛  
حمایت از اقدامات معینی که در خدمت اهداف  
نهائی و مرحله‌ای طبقه کارگر و زحمتکشان باشد؛ و

ضدانقلابی " خوانده شد و حتی در مواردی رهبری  
این جریانات " ضدانقلابی " نامیده شدند، آنجا که  
در مبارزه علیه اعدام‌ها و کشتارهای وحشیانه رژیم،  
بیکار قاطع علیه این جنایت و مبارزه در راه  
سرتوگی رژیم جای خود را به انتقادهای دوستانه  
داد، همه و همه عواقب و نتایج تلخی ببار آورد که  
با منطق و مضمون رویداد ۱۶ آذر سازگار نبوده. این  
درست است که ما بیوسه اعدام‌ها و کشتارها را  
محکوم می‌ساختیم، اما این نیز واقعیت دارد که این  
محکومیت‌ها در بسا موارد با محکوم ساختن رهبری  
این نیروها همراه می‌شده. بنابراین روشن است که  
انتقاد مایه چارچوبه راست روانه سیاست و پراتیک  
شامل عناصر و اجزا آن از جمله رابطه با سایر نیروها  
نیز می‌گردد.

س: لطفاً نظر سازمان در مورد جنبش ملی خلق کرد  
و همچنین خط‌مشی مبارزاتی سازمان در این عرصه  
را توضیح دهید.

ج: برای توضیح نظر سازمان در مورد جنبش ملی  
خلق کرد نخست باید نظر سازمان درباره مسأله ملی  
و حق تعیین سرنوشت خلقها را توضیح دهیم. در  
طرح برنامه سازمان ما در فصل مربوط به برنامه  
حداقل، تحت عنوان دموکراسی خلقی، درباره  
مسأله ملی چنین گفته‌ایم: " ایران کشوری است  
کثیرالمله که خلقهای فارس، ترک، کرد، ترکمن،  
بلوچ و عرب سالها در آن و در کنار هم زیسته‌اند،  
منافع خلقهای ایران و زحمتکشان ایران زمانی به  
بهترین نحو تحقق می‌یابد که این خلقها بطور

آزادانه و داوطلبانه با هم متحد بوده و مشترکاً در  
راه شگوفائی کشوری واحد و قدرتمند مبارزه نمایند.  
بدین منظور اقدامات زیر می‌بایست انجام یابد:

الف - تأمین حق تعیین سرنوشت برای تمامی  
ایران و پایان دادن به هر گونه تبعیض ملی.

ب - الغای تقسیمات کنونی کشوری و انجام تقسیمات  
جدید بر پایه مسأله ملی.

ج - انجام اقدامات اساسی به منظور از میان  
برداشتن عقب ماندگی ناشی از ستم مضاعف  
بر خلقهای محروم ایران.

د - از میان بردن هر گونه تبعیض دینی و تأمین  
حقوق اجتماعی و فرهنگی بیروان ادیان مختلف.

بر این اساس سازمان ما از یکسوز حق تعیین  
سرنوشت برای تمامی خلقهای ایران دفاع می‌کند و  
از سوی دیگر خواستار اتحاد داوطلبانه و آزادانه  
خلقهای ایران است. حق تعیین سرنوشت به مفهوم  
آنست که هر یک از خلقهای ایران آزادند در قبال  
مسأله اتحاد با سایر خلقها و یا جدائی از آنها و یا  
در قبال نظام حکومتی و دیگر مسائل خویش آزادانه  
تصمیم بگیرند. تنها چنین موضعی در قبال مسأله  
ملی است که چون سرنوشت خلقها را به اراده و  
تصمیم خود آنان واگذار می‌کند موضعی دموکراتیک  
و بطور واقعی منطبق با مسأله حاکمیت توده‌هاست،  
تضمین‌کننده تحقق همه خواسته‌های عادلانه تمامی  
خلقهای ایران است و نیز موثرترین و مطمئن‌ترین  
راه در تأمین اتحاد داوطلبانه خلقهای ایران و حفظ  
تمامیت ارضی کشور است. هیچ حکومتی را  
نمی‌توان جمهوری دموکراتیک یعنی منکی به اراده  
کارگران و زحمتکشان دانست بدون آنکه بطور واقعی  
جنبش حقی را بپذیرد. وقتی صحبت از جمهوری  
دموکراتیک خلق و حاکمیت خلقهای ایران می‌کنیم  
باید توجه داشته باشیم که پذیرش حق تعیین  
سرنوشت خلقهای ایران یکی از عناصر اساسی  
استقرار چنین حاکمیتی است. در واقع برخورد

انقلابی و دموکراتیک به مسأله ملی دارای دو سوی  
بهم پیوسته است که نفی هر یک از آنها لزوماً به  
سیاست‌های نادرست و عواقب ناآوار در قبال مسأله  
ملی منجر می‌شود. این دو سوی متفاوت و  
بهم پیوسته که در برنامه سازمان ما آمده است یکی  
دفاع از حق تعیین سرنوشت و دیگری تبلیغ و ترویج  
اتحاد داوطلبانه است.

آنچه را که بطور پایه‌ای در مورد جنبش ملی  
گفتم بطور مشخصی و با تأکید ویژه در مورد جنبش  
ملی خلق کرد، صادق می‌دانیم. جنبش ملی -  
دموکراتیک خلق کرد ایران با سابقه چندین دهه  
مبارزه عادلانه و ترقیخواهانه در راه خودمختاری و  
برای دموکراسی و علیه امپریالیسم و ارتجاع در  
ایران، عامل بسیار مهم و موثری در کل روند انقلابی  
و ترقیخواهانه میهن ماست. جنبش ملی خلق کرد  
در پیوند با جنبش سراسری طبقه کارگر و زحمتکشان  
ایران از یکسویگانه

## بنا سبب سالگرد... بقیه از صفحه ۳

تضمین کننده تحقق خواسته‌های عادلانه خلق کرد است و از سوی دیگر عامل مهمی در تقویت جنبش سراسری ترقیخواهانه بوده و هست. هم اینک نیز علیرغم همه لشکرکشی رژیم جمهوری اسلامی و علیرغم همه سرکوب‌های وحشیانه خلق کرد طی سالهای پس از انقلاب و علیرغم دشواریهای ناشی از شرایط مبارزه پارتیزانی، جنبش ملی خلق کرد با مقاومت و مبارزه عادلانه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، نقش مهمی را در تضعیف و انزوای هر چه بیشتر این رژیم در میان توده‌ها و نهایتاً در مسیر سرنوشتی آن بر عهده گرفته است. سازمان ما تلاش خواهد کرد تا در دفاع از جنبش خلق کرد و در راه تقویت و ارتقا آن و گسترش و تحکیم پیوند آن با جنبش سراسری در ایران، همه امکانات و تواناییهای خود را بکار گیرد. متأسفانه اکنون جنبش خلق کرد هم با مشکلات و مسائل نگران کننده‌ای در سطح کردستان، نظیر ادامه درگیریهای مسلحانه فاجعه‌بار میان نیروهای کومله و حزب دموکرات کردستان روبروست و هم با مشکل نبود یک آلترناتیو انقلابی - دموکراتیک در سطح ایران که بتواند همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه را حول یک برنامه انقلابی و مشترک در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، متحد کند. سازمان ما وظیفه خود میدانند که بعنوان جزئی از جنبش کمونیستی ایران، و بهمانگونه که در پلنوم ششم کمیته مرکزی در فروردینماه ۶۴ تأکید شده‌است، در راه تقویت ثقل انقلابیون کمونیست و در راه اتحاد همه نیروهای جنبش خلق فعالیت و مبارزه کند. البته ما در این زمینه آسوده خیالی و خوش بینی نامشروط به خود راه نمی‌دهیم اما مصممیم که بطور پیگیر و با ادامه کاری صبورانه در این عرصه برای بر طرف کردن مشکلات و موانع موجود بر سر راه نزدیکی و همکاری نیروها فعالیت کنیم. مابنوبه خود آن جنبه از نظرات و مواضع سازمان را که به مناسبات و روابط میان نیروهای سیاسی و در این مورد مشخص به مناسبات میان نیروهای فعال در کردستان و به رابطه و پیوند میان سازمان و جنبش خلق کرد، آسیب رسانده است، مورد انتقاد جدی می‌دانیم. کمیته مرکزی سازمان در بررسی انتقادی گذشته بر این مساله تأکید دارد که عقب نشینی سال ۵۹ از کردستان و اتخاذ مواضعی منطبق با تعابلات رژیم جمهوری اسلامی در قبال جنبش خلق کرد، در خلاف تقویت جنبش خلق کرد و تقویت مناسبات میان نیروهای مبارز و روابط سازمان با جنبش خلق کرد عمل کرده است و صرفاً در راستای تقویت موضع رژیم علیه مبارزه عادلانه خلق کرد بوده است.

پس از ۱۶ آذر ۶۰، موضع انقلابی در قبال جنبش عادلانه خلق کرد آن بود که مجدداً از مبارزه عادلانه خلق کرد حمایت فعال می‌کردیم، در جهت نزدیکی با نیروهای سیاسی کردستان بویژه حزب دموکرات کردستان تلاش می‌کردیم و به سهم خود در سازماندهی و هدایت جنبش شرکت میکردیم. این سیاست، جنبش عادلانه خلق کرد را به اهرم نیرومندتری در مبارزه علیه رژیم و دامن زدن به جنبش توده‌ای سراسری تبدیل می‌ساخت. اما

سیاست و تبلیغات ما هر چند که بر شعارهایی چون " کردستان راه حل نظامی ندارد "، " کردستان یزد نیست " و " مساله کردستان با پذیرفتن حقوق عادلانه مردم کردستان حل می‌شود " مداوماً تأکید داشت لیکن از آنجا که در چارچوب کلی سیاست و مشی گذشته سازمان در قبال رژیم جمهوری اسلامی قرار داشت، طبعاً نمی‌توانست به هدف نزدیکی سازمان با جنبش ملی خلق کرد و تقویت این جنبش خدمت کند. رهبری سازمان ما با بازنگری انتقادی به این مواضع بر این اعتقاد است که شرکت سازمان در مبارزه مسلحانه توده‌ای علیه رژیم جمهوری اسلامی از وظایف انقلابی سازمان ما بوده و هست که هم مستقیماً جنبش خلق کرد را تقویت می‌کند و هم در نتیجه جنبش سراسری را علیه رژیم نیرومندتر می‌سازد. بر این اساس خط مشی مادر قبال جنبش خلق کرد، حمایت همه جانبه از این مبارزه، تلاش در جهت پیوند بیشتر این مبارزه با جنبش سراسری مردم ایران و بویژه جنبش طبقه کارگر و همچنین شرکت در مبارزه مسلحانه خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

پس : اهمیت شکل گیری ثقل نیرومندی از انقلابیون کمونیست در چیست؟ و امروز چه موانعی بر سر راه آن وجود دارد؟

گسترش زندانها و تشدید شکنجه و اعدام که بویژه در چند ماهه اخیر شاهد آن بوده‌ایم، بهترین گواه بر رشد مبارزه و مقاومت در بیرون زندانها و شکست رژیم در سرکوب جنبش و تلاشی ساختن نیروهای انقلابی و ترقیخواه است.

ج : اعتماد طبقه کارگر و توده‌ها را به جنبش کمونیستی ایران نمی‌توان بدون وحدت رزمنده این جنبش تأمین کرد. تکرار شعارهای خوبی چون " کارگران متحد شوید "، " چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است " و " پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر "، تنها وقتی ارزش دارد و مفهوم واقعی پیدا می‌کند که با درک عمیق ضرورت وحدت جنبش کمونیستی و تلاش صمیمانه و خستگی ناپذیر در این راه همراه گردند. وگرنه پیشروانی که همه جدا از هم شعار وحدت و تشکیل حزب را می‌دهند اما یک قام هم در راه پایان دادن به این جدائی‌ها بر نمی‌دارند چرا باید مورد اعتماد توده‌ها، مورد اعتماد کارگران و روشنفکران قرار گیرند. تجربه تلخ سالیان دراز دیگر باید این واقعیت را در چشم و گوش و ذهن ما فرو کرده باشد که کلی گوئی درباره اتحاد و وحدت و طفره رفتن از ارائه پیشنهادات مشخص و برداشتن گام‌های عملی جز آن که کمونیستها را روز بروز از اهدافشان دور کند، نتیجه دیگری نخواهد داشت.

ادامه پراکندگی کمونیست‌هایی که هدف تشکیل حزب را پیشروی خود قرار داده‌اند، در عمل به طولانی تر کردن عمر انحرافات راست و چپ، ناتوانی جنبش کمونیستی در پاسخگویی به مسائل پیشروی و تکرار شکست‌ها می‌انجامد. در حالی که نزدیکی آنان بویژه در شرایط مشخص امروز که زمینه‌های بی‌اعتمادی به رفرمیسم و ناسیونال نیهیلیسم و بوروکراتیسم از هر زمان دیگری مساعدتر است راه را بر حل انقلابی بحران جنبش کمونیستی

**اعدامهای دستجمعی** بقیه از صفحه ۱  
توده‌ها، تلاش کرده‌اند تا این جنایات بشماره را از چشم مردم پنهان کنند. آنان از اعلام اسامی اعدام شدگان و محل بخاک سپاری آنان خود داری میکنند، دربسیاری از موارد متن وصیتنامه این شهدارا به خانواده‌هایشان ننمیدهند و برای جلوگیری از آشنائی و ارتباط و تجمع خانواده‌ها، حتی خبر این اعدامها را هم بتدریج و بطور جداگانه بخانواده‌ها میرسانند. اما رژیم ضدبشر هرگز نمیتواند این جنایات و این کشتارهای دستجمعی و گسترده فرزندان مردم را از چشمان نگران و جستجوگر خانواده‌های بی‌شمار و توده‌های مردم ایران پنهان کند. اخبار جنایات اخیر رژیم نیز باوجود همه پنهانکاریهای رژیم، به گوش توده‌های وسیعی از مردم رسید و موجی از خشم و کینه و نفرت را نسبت به این رژیم خونریز و موجی از احساس پیوند و محبت عمیقتر را نسبت به زندانیان سیاسی و مبارزینی که مردانه بر سر پیمان انقلابی با خلق خود ایستاده‌اند، برانگیخت.

رژیم که در تبلیغات سنگین و دروغین خود و بطور مداوم از نابودی سازمانهای انقلابی و مترقی و خفه کردن جنبش اعتراضی و مبارزاتی کارگران و توده‌ها دم میزند، در عمل و در برابر ادامه حیات رزمنده و مبارزه انقلابی نیروها و سازمانهای مترقی و در مقابله با گسترش نفرت و بی‌زاری توده‌ها و مخالفت و مبارزه آنان علیه جنف و ستم و اختناق رژیم، بصورتی باز هم گسترده‌تر به زندان و شکنجه و تیرباران متوسل شده است. اما اخبار و گزارشات زندانها گواه بر این واقعیت غرورانگیز است که علیرغم گسترش پیگرد و سرکوب علیه سازمانهای انقلابی و مترقی و علیرغم شکنجه‌های ددمشانه و قرون وسطایی در سیاهچالهای رژیم، روحیه مقاومت و رزمندگی زندانیان سیاسی در برابر شکنجه‌گران و پایبندی مردانه آنان بر اعتقادات و آرمانهای انقلابی، رژیم را رسواتر و سرافکننده‌تر کرده است. مزدوران رژیم برای شکستن روحیه مقاومت زندانیان علاوه بر اعمال شدیدترین و بیشمارانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی و همزمان با صدور حکم اعدام،

زندانیان را برای دست شستن از آرمونها و عقاید انقلابیشان و تأکید رژیم تبهکار جمهوری اسلامی تحت فشار قرار می‌دهند اما فرزندان شریف مردم زیر شدیدترین شکنجه‌ها خیره در چشم جلادان چشم می‌دوزند و از اهداف انقلابی مردم خود دفاع می‌کنند. بسیاری از این فرزندان مردم، کادرها و اعضاء پرسابقه و مبارز جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه ایران که در راه مبارزه علیه رژیم شاه خائین، سالهای طولانی را در زندانهای شاه گذرانده بودند، در این دو ماهه اخیر، پس از تحمل شکنجه‌ها و فشارهای بسیار بجوخه اعدام سپرده شدند. طی همین مدت احکام اعدام جمعی دیگر از زندانیان سیاسی صادر و پرونده‌ها برای تأکید نهائی به شورایعالی قضائی ارسال شده و هم اینک نیز جان تعداد بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی در معرض خطر اعدام قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی، گرفتار بحران عمیق اقتصادی - سیاسی و گرفتار کشمکشها و منازعات دستمبندیهای درونی برای غارت بیشتر مردم و درمانده از حل بحران و رسوا بقیه در صفحه ۸

## ده هفتن از زندانیان سیاسی را رژیم

مردم مبارز و انقلابی ایران : خمسونی بی جوغ اعدام سرد

بار دیگر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، با کسیت جنگ، اختناق و ترور، ده هفتن دیگر از عزیزترین و والایترین فرزندان خلق را، ده هفتن از انقلابیون را که به جرم دفاع از منافع طبقه کارگر و خلق ایران مدتهاستگیر و زیر شکنجه نای و شیانه در زندانها رژیم قرار گرفت، بوقت بی جوغ اعدام سپرد. اغلب این مبارزان از زندانیان سیاسی رژیم شاه چند پرونده که شامل اهادر زندانهای شاه، سرود مقاومت و پایداری، خلق را با قامتی ارغشته سر داده و همواره صحن درخشندگی مبارزات آزادیخواهانه و همچون پرستانه خلق بودند که در بهمن ۵۷ به دست توانا، خلق از زندان آزاد دهند و اکنون آماج گلوله های پاسداران حرمایه قرار گرفته‌اند. رفقا همیشه چه صبروتند، صبرداد پاک‌زاد و ده هفتن انتقامی دیگر در یکماه گذشته اعدام گردیده‌اند. رفقا چشید سببوتند و صبرداد پاک‌زاد، فرزندان مردم زجر نموده‌اند. ما از کادربندی ارزنده سازمان فدائیان خلق ایران بودند که در سال ۶۱ در عجم و کوهانه روم به سازمان به عواء تعدادی دیگر از رفقا، سازمان دستگیر و در تمامی مدت دو سال زیر شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار گرفتند و اکنون که غایبانه نام ندائی و صفت افتخار آفرین فدائیان خلق است با سرافراشته، چشم در چشم دو دشمنان و دشمنان مردم دوجبه و قهرمانان آزادیخواه انقلابی سازمان خود و طبقه کارگر و توده‌های صنعتگر میهن خود دفاع کرده و سرانجام پس از دو سال، پایداری خود را تکمیل در برابر فشارها و شکنجه‌های زندان و زندانیان میزبوت با تمامی استوار و قلبی سرشار از عشق بی مردم و آکنده از کینه، نسبت به دشمنان مردم در برابر جوغ اعدام ایستادند و بالیخندی از سر شروع بربل - مرگ را و رژیم ترورد و اختناق، را به عیب گرفتند.

کارگران، زحمتکشان و همچون پرستان اندیشی :

استحالی نیرووتند و توانای خود را به حمایت از زندان قهرمانان که بر عکوه همین حلیه‌های مقاومت را در زندانها، زیر شکنجه‌های روحی و جسمی، قهرمانان امریمن، می‌آفرینند و برای استقلال و آزادی میهن و درد دفاع از منافع طبقه کارگر و خلق قهرمان ایران مبارزه می‌کنند. متحانه بلند کنید. از جانهای بان فرزندان مبارز زحمتکشان و زندانیان سیاسی دفاع کرده و طبقه جنایات رژیم ضد مردمی - جمهور، اسلامی متحانه و پیگیری مبارزه کنیم.

بجورز باد مبارزات شما میریالیستی - دمکراتیک نموده ما

سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری همکراصل، خلق

خلق انتشاراتی فدائی عهد بهروز طایمانی - عوادار سازمان فدائیان خلق ایران مهر ماه ۶۴

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

"با یاد فرزند قهرمان مردم رفیق جمشید سپهوند"

داس شوم و نفرت انگیز حکومت جهل و جنایت خمینی بار دیگر نهال برومندی را از جنگل خلق ربود. "جمشید" يك تن از هزاران تنی است که آدمخواران حاکم، نابودی قدرتش را در تپش قلبهای زنده آنان میدانند. آنانی که میزیستند و میزیند تا زندگی را پاسداری کنند و می میرند تا اثبات کنند که جهان و زیباییها، برمدار آرزوی بیماراندیشان بیدادگر و مسندنشینان حافظ ظلمت نمیچرخد. موجی از پی موج خواهد آمد. زیبایی و عدالت در قایق سپید خود بر دریای موج خیز توده های مردم پدیدار خواهد شد. اگر چه همیشه دریغی هست و همراه با شادیهای آینده یاد پریشدگان جانبخته خلق، جزئیها، رضائیها، اعظمیها، شوکیها، اسدیانها، سلیمانیها، پاکزادها و اکنون جمشید، دلان را در اندوهی بی پایان میچلاند، اما باید گفت نه! دریغی هم نیست! آنان زنده اند. در راهی که بیش رویمان سینه کشوده، آوازشان را می شنویم. سرود سخت و سهمگینشان، توفندگی و فریادشان را، آنگاه که در آخرین لحظات حیات، زمانی که سیده، آخرین بوسه را بر پیشانی شان می نهاد.

زحمتکشان لرستان در ناله های سوزمندشان "گرین" و "سیدکوه" را به ماتم فرامی خوانند و از سکوت دماوند کله مندند چرا که زخمی که بر دلشان نقش بسته است آسمان را نیز مه آلود کرده است. آنها اشک دیدگان شان را بر کومه ای که شیر خفته شان در آن آرمیده است می ریزند. ولی با این وجود برسم سنتهای میهن مان، کسی سیه پوش نیست. چرا که آخرین بار جمشید از مادرش خواست که کسی در مرگ او جامه سیاه نپوشد. رفیق جمشید سپهوند کادر ارزنده جنبش کمونیستی در سال ۱۳۳۶ در بروجرد بدنیا آمد. تا دوازده سالگی در روستای "ده پیر" از توابع خرم آباد همراه خانواده زحمتکش خود زندگی کرد. زمانی که رفیق شهید "دکتر اعظمی" در خرم آباد به طبابت پرداخت، برای کمک به خواهر خود، خانواده جمشید را به خرم آباد منتقل کرد. جمشید که تا ششم ابتدائی را در روستا بعدرسه رفته بود، دوره دبیرستان را تا سوم متوسطه در خرم آباد گذراند.

رفیق جمشید ستم طبقاتی را از محیط زندگی خانوادگی و پیرامونش شناخت و زمانی که هنوز خیلی جوان بود، به علت درگیر بودن خویشان نزدیکش با رژیم مزدور شاه، خیلی سریع با مفهوم مبارزه، زندان و شکنجه آشنا شد. در زمستان ۵۲ موقعی که رفیق شهید "محمود خرم آبادی" پس از درگیری با مزدوران شاه و به شهادت رسیدن "مجتبی خرم آبادی" به لرستان آمد، جمشید رابط محمود و دکتر اعظمی شد. در مدتی که محمود در کوههای اطراف خرم آباد مخفی بود، جمشید مسئول تامین آذوقه او بود. در خرداد ماه ۵۳ همراه دکتر و چند تن دیگر از یارانش با هدف شروع جنگ پارتیزانی در "سیدکوه" مخفی شدند. دو ماه از آغاز فعالیتشان نگذشته بود که مزدوران شاه منطقه استقرار آنان را شناسائی کردند و آنها مجبور شدند منطقه فعالیت خود را به کوههای اطراف خرم آباد منتقل نمایند. در این جابجائی، رفیق جمشید مجبور شد مدت محدودی در یکی از روستاهای اطراف خرم آباد ساکن شود. پس از چند روز که از اقامتش گذشته بود، روستای محل

گل از شاخه افتاد و بر خاک شد

استقرار موقتش لو رفت و به محاصره ژاندارمهای شاه درآمد و دستگیر گردید. مزدوران جمشید را بیدرنک به پایگاه موقت ساواک در بروجرد منتقل کردند. (این پایگاه به سرپرستی عضدی برای بدام انداختن گروه دکتر اعظمی تشکیل شده بود.)

جمشید بلافاصله زیر شکنجه قرار گرفت و علی رغم جوان بودنش توانست با هوشیاری همه قرارهایش را بسوزاند. پس از چند ماه او را به "کمیته مشترک ضد خرابکاری" شاه و سپس به اوین منتقل کردند و در بیدادگاه شاه به دلیل کمی سن به ۵ سال زندان محکوم شد. در بیدادگاههای شاه حداکثر محکومیت برای محکومین کمتر از ۱۸ سال، ۵ سال زندان بود. پس از محکومیت او را به زندان قصر منتقل کردند. شوق دانستن و دست یافتن به دانش رهایی توده ها در او موج می زد. با شور و ولع بسیار کتاب می خواند. در کلاسهای که از سوی رفقای با تجربه تر برپا می شد، شرکت می کرد. می آموخت و می آموزانند. پس از یکسال و نیم او را به قزلحصار منتقل کردند و تا خیزش توفنده انقلاب در زندان قزلحصار ماند.

با فرو ریختن دیوارهای زندان، همراه با زندانیان سیاسی به آغوش مردم بازگشت و بی لحظه ای درنگ، با شوری صد چندان فعالیت انقلابی خود را از سر گرفت. همراه و همدوش مردم در تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت کرد و در تسخیر یادگان متوجه آباد خرم آباد در روزهای قیام نقش برجسته ای ایفاء نمود.

پس از انقلاب در رهبری تشکیلات لرستان قرار گرفت و سهم ویژه ای در سازماندهی مبارزه زحمتکشان لرستان و بردن دانش مبارزه رهایی بمیان روستائیان منطقه داشت. رفتار مردمی، چهره بشاش و انسانی، نگاههای شاداب و کنکاشگر و اساسا کردار و عمل جمشید هرگز از خاطره روستائیان زحمتکش لرستان محو نخواهد شد.

فعالیت شبانه روزی جمشید در کمیته دهقانی شاخه لرستان سبب استحکام هرچه بیشتر پایگاه سازمان در میان زحمتکشان لرستان شد. با ایجاد اولین کمیته ایالتی در لرستان رفیق جمشید در هیئت اجرایی کمیته ایالتی لرستان قرار گرفت و علاوه بر مسئولیت تشکیلات جوانان بر تشکیلات شهرستانهای الیگودرز، نهاوند، ازنا و درود نیز نظارت می کرد.

در ۲۳ آبانماه ۶۰ در مراسم چهلم بزرگداشت رفیق شهید سیامک اسدیان (اسکندر) در روستای "کرگل" از توابع خرم آباد برای بار دوم دستگیر شد. رفیق جمشید در زندان خرم آباد شناسائی شد و بیدرنک به شکنجه گاه کمیته شهربانی در تهران منتقل شد و به زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطائی رفت. در اثر دستبند قیانی کنگش بشدت آسیب دید و هرگز التیام نیافت. اما برغم شکنجه های جانفرسا، شکنجه گران مطلقا به هیچ چیز دست نیافتند. بالاخره پس از ده ماه سربلند و آبدیده تر از پیش از زندان آزاد شد. به علت شناخته بودنش و حساسیت پلیس به او به تهران آمد و در هیئت اجرایی کمیته ایالتی تهران سازماندهی شد. پس از تغییراتی که در ساختار تشکیلات بوجود آمد، به دلیل توانمندی سیاسی و خصائل انقلابی و روحیه رزمندگی اش مسئول داخلی دبیرخانه مرکزی سازمان شد و تحت مسئولیت رفیق رزمنده و قهرمانمان بهروز سلیمانی قرار گرفت.

رفیق جمشید برای بار سوم در ۱۸ آبان ۶۴ در منزل یکی از رفقای که محل سکونت او در تور پلیس قرار گرفته بود بطور اتفاقی دستگیر شد و بلافاصله پس از دستگیری از نظر هویت و قدمت مبارزاتی مورد شناسائی قرار گرفت. پلیس سیاسی حساسیت ویژه ای روی او داشت. شکنجه گران خمینی او را بارها آرموده بودند به همین خاطر خیره ترین بازجوها را مامور درهم شکستن مقاومت رفیق نمودند. اما این بار نیز جز ناکامی چیزی عایدشان نشد. یاهای رفیق جمشید را به وحشیانه ترین شکل ممکن شیار زدند، دست او را شکاندند ولی نتوانستند اراده آهنینش را درهم شکنند.

صدای گرم و مردانه جمشید در حالیکه پاها و تن مجروحش را به سختی به روی زمین می کشید در گوش رفقای که آن زمان در راهرو بند ۲۰۹ اوین چشم بسته در انتظار بازجویی بودند طنین انداز است: "رفقا مقاومت کنید" در جریان یورشهای بعدی به سازمان، مسئولیت های سازمانی رفیق برای پلیس روشن گردید و بالاخره در سی و یکم شهریورماه ۶۴ قلب پر شورش با گلوله دژخیمان خمینی از کار باز ماند.

جمشید علی رغم جوان بودن زندگی را در سطح بالائی در عمل مستقیم تجربه کرده بود و شخصیت انقلابی و انسانی او بروشنی حکایت از دستمایه غنی رفیق از زندگی و مبارزه و همچنین پرورش در محیط فامیلی که با سنتهای عمیق مبارزاتی آمیخته بود، می کرد. واقع بینی از خصایل بارز رفیق بود. نسبت به رفقای خود و تمامی کسانی که در رابطه با او قرار میگرفتند بسیار صمیمانه و رفیقانه برخورد میکرد. ضعفها و کمداشتهای آنان را در نهایت مسئولیت، سادگی و قاطعیت مطرح میکرد. توجه مستمر به آموزش خود و رفقایاش داشت. مجموعه خصایل انسانی و خصوصیات انقلابی اش در مجموع از او انسانی عمیقاً پرشور با ایمان و آرمانخواه ساخته بود.

روحیه قوی او، شور و شوقش به مبارزه و عشقش به زندگی در چند سطر وصیت نامه اش که با هزاران محدودیت نوشته شده است موج میزند. او در وصیت نامه اش به مردم شرافتمند چنین پیام میدهد: "اکنون که در واپسین لحظات حیات خود قرار گرفته ام قلبم سرشار از مهر و محبت شاست و برای شما می تید." او به واقع اعلام می کند که قلبش به خاطر مردم و به جرم وفاداری به آرمان مردم است که از کار می افتد.

او از مادرش می خواهد که همانطور که در گذشته و در شهادت هوشنگ، فریدون، توکل و دیگر عزیزان متانت خودش را حفظ کرده بود این بار خلق، درد عظیم و جانگناه از دست دادنش را با افتخار و سربلندی تحمل کند. او به همسرش پیام میدهد که زندگی جریان دارد و هرگز متوقف نمیشود. آری زندگی شعله ور است و در وجود هر مبارزی که بخاطر آزادی و استقلال برمی خیزد گری می خورد.

جمشید عزیز به صداقت و پاکایات سوگند که در راه تحقق آرمانها و آرزوهای بزرگ و انسانیت لحظه ای از پا نخواهیم نشست. پیامت را چونان بار عزیزی بر شانه هایمان حمل خواهیم کرد. خشم بیکرانمان را از رژیم آدمکش خمینی به نیرو بدل می کنیم و تا تحقق آرمان های کارگران و زحمتکشان که همانا تحقق صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیزم است به پیش خواهیم رفت. ما پیروز خواهیم شد. شب تیره گون ستم در هم می شکنند و صبح ظفرمند توده ها خواهد دمید.



**جنگ و تاراج دو ملت**

بقیه از صفحه ۱

سنگین توپخانه به ویرانه تبدیل کرد و با اشغال قریب ۱۰۰۰ دهکده، صدمات سنگینی بر کشاورزان این نواحی وارد آورد. در داخل خاک عراق و بخصوص در نواحی مرزی کردنشین نیز حدود ۲۰۰۰ دهکده یا ویرانه و یا زیر فشار جنگ خالی از سکنه شده است.

خسارات اقتصادی و مالی نیز که این جنگ ارتجاعی خانمانسوز ببار آورده سالهای متعددی بر دوش زحمتکشان ایران و عراق سنگینی خواهد کرد. خسارات اقتصادی عراق بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

بسیاری از تاسیسات مهم و حیاتی برای اقتصاد عراق مثل مجتمع پتروشیمی، ترمینالهای صدور نفت، نیروگاههای برق و ... تخریب شده‌اند. صادرات نفت عراق حداقل به نصف صادرات قبل از جنگ تقلیل یافته و در میزان تولیدات صنعتی و کشاورزی عراق، کاهش مهمی دیده می‌شود. در شرایطی که نرخ تورم تخمیناً به ۶۰۰ درصد رسیده و بارگزارانی و کمبود مایحتاج عمومی بر مردم عراق تحمیل می‌گردد مخارج نظامی عراق بیش از دو میلیارد دلار در هر ماه برآورد می‌شود. هر پرواز هواپیماهای میزبان برای عملیات بمباران و پرتاب هر موشک اکزوست دهها هزار دلار هزینه دارد.

همچنین گفته می‌شود نخبای ارزی عراق که قبل از جنگ بالغ بر ۲۸ میلیارد دلار بوده طی این مدت به ۲ میلیارد دلار کاهش یافته و بدهی عراق به ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. همه این ارقام هنگفت که ثمره کار و رنج زحمتکشان و کارگران عراق و ثروت ملی مردم عراق است برای ادامه جنگ و ویرانی و کشتار به جیب شرکتهای تسلیحاتی بین‌المللی و دولت‌های امپریالیستی ریخته می‌شود. کمپانیهای تسلیحاتی فرانسوی، انگلیسی، آمریکائی، ایتالیائی و دهها کمپانی دیگر سازنده سلاحهای سبک و سنگین طی این شش ساله جنگ سودهای هنگفت و افسانه‌وار به جیب زده‌اند. سیل سلاحهای پیشرفته و تهاجمی نه تنها به طرف ایران و عراق، بلکه به بهانه همین جنگ بطرف کشورهای منطقه جاری بوده است. رژیم جمهوری

اسلامی که علیرغم گرفتاری در بن بست جنگ، بر ادامه جنگ اصرار می‌ورزد، بیشترین خدمت را به دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی و شرکتهای تسلیحاتی بین‌المللی کرده و میکند. رژیم جمهوری اسلامی برای تامین اسلحه، پول نفت و ثمره کار زحمتکشان را بجنب شرکتهای بین‌المللی، دلان و باند‌های قاچاق و فروش اسلحه میریزد. واسطه‌ها و هاکرژیم، برای خرید وسایل یدکی‌فراوان آنها در يك مورد ۱۴۰ میلیون دلار به يك دلال بین‌المللی پرداخت کرده‌اند. هزینه خرید اسلحه از طریق قاچاق به ارقام باور نکردنی بالغ می‌شود. میزان خریدهای تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی از دولت اسرائیل به ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار در سال بالغ می‌شود. وزارت دفاع انگلیس نیز اخیراً به فروش مقادیر زیادی وسائل نظامی، شامل قطعات یدکی برای موتور تانک‌های چیفتن و خودروهای زرمی به ایران اعتراف کرده است. این وسایل توسط ۱۵ هوایما و درجه‌به‌هائی که روی آنها "قطعات یدکی ماشین" نوشته شده بود به ایران ارسال شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی همچنین از طریق باند‌های قاچاق اسلحه و با توافق ضمنی مقامات امریکائی سالیانه مبالغ سرسام‌آوری را صرف خرید اسلحه از انحصارات امپریالیستی امریکائی می‌کند. دلان داخلی و مقامات دست اندر کار خریدهای تسلیحاتی در وزارت دفاع و سپاه نیز در این غارت و به یغما رفتن ثروت‌های ملی، شریک و سهیم‌اند. اخیراً بدنبال تشدید اختلاف و کشمکش میان دسته بندی‌های رقیب نیرون حکومتی، در نامه عده‌ای از نمایندگان مجلس علیه خامنه‌ای گوشه‌هائی از دزدی‌ها و اختلاس‌های وسیع بر وزارت دفاع و سپاه آشکار می‌شود. در این نامه گفته شده که "برنامه بوده تا خرید وزارت دفاع و ارتش را هم نمایندگان خرید وزارت سپاه انجام دهند و از این طریق حق کمیسیون خریدهای چندصد میلیون دلاری نظامی به جیب تعداد مشخصی از شرکاء وزیر سپاه برود." در همین نامه اشاره شده است به "آقای حمید نقاشان بعد از آنهمه سرعت و اختلاس که در خرید سپاه انجام داد و بگفته سران قوم بر اثر اختلاف در تقسیم غنایم از خدمت وزیر سپاه مرخص شدند... به وزارت کشور راه می‌یابد

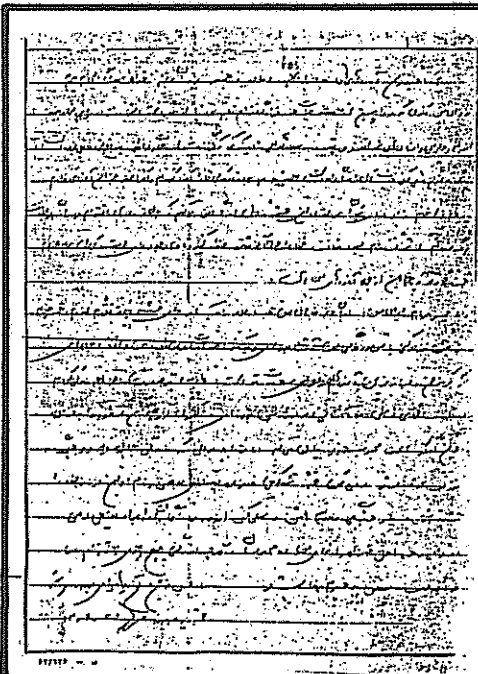
و بعد می‌شود مسئول طرح مترو تهران در بزرگترین قراردادهای اقتصادی خارجی ایران" و "انتخاب سرهنگ سلیمی بعنوان مشاور نظامی (توسط خامنه‌ای) ... بعد از عملکردی که در وزارت دفاع داشت و سرقت و اختلاس‌هایی که در وزارت دفاع زمان ایشان در خرید سلاح شد." البته این گفته‌ها و اعترافات تنها بیان جزئی از غارت ثروت‌های ملی و به نابودی کشاندن ثمره کار و تلاش مردم ایران در بن‌بست نظامی جبهه‌های جنگ خانمانسوز ایران و عراق است. بن‌بست فرساینده ۳ ساله‌ای که برای رهائی از آن، بیروزی نظامی هیچیک از طرفین متصور نیست. دولت‌های امپریالیستی و ارتجاع منطقه نیز همین وضع موجود و تضعیف هر دو رژیم را برای حفظ تعادل قوای موجود در منطقه و منافع استراتژیک خود، مناسب ارزیابی می‌کنند و انحصارات تسلیحاتی، کمپانیها و شرکتهای تولیدکننده و فروشنده اسلحه، واسطه‌ها، دلان و قاچاقچیان بین‌المللی نیز از ادامه وضع موجود بیشترین سود را می‌برند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز با دنبال کردن اهداف ارتجاعی و ماجراجویانه خود در منطقه بیشترین خدمت را به منافع امپریالیسم، ارتجاع منطقه و انحصارات تسلیحاتی می‌کند و هم‌اکنون نیز علیرغم همه شکست‌های سنگین، در تدارک آغاز حملات جدیدی است. رژیم جمهوری اسلامی بازم با تمرکز چندصد هزار نیرو در جبهه‌های جنوب و غرب و بسیج جوانان و نوجوانان دبیرستانی و دبستانی درصدد است تا بار دیگر در راه هدف‌های ارتجاعی خود دهها هزار تن دیگر را بصورت امواج انسانی روانه قربانگاه جبهه‌ها، میدان‌های مین و جلوی آتش توپ و خمپاره کند و هستی مردم را در آتش جبهه‌ها خاکستر سازد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و رژیم دیکتاتوری عراق از یکطرف خون فرزندان مردم را بیرحمانه در جبهه‌ها بر زمین میریزند و از طرف دیگر ثمره کار و کوشش مردم و ثروت‌های ملی کشور را سخاوتمندانه به جیب انحصارات تسلیحاتی بین‌المللی سرازیر می‌کنند. مردم ایران و عراق نیز برای رسیدن به صلح و آزادی و سعادت مبارزه خود علیه جنگ و علیه دو رژیم ارتجاعی را تداوم و گسترش می‌دهند.

\*\*\*  
متن آخرین‌نامه رفیق جمشید سپهوند  
\* با سلام و با عمیقترین آرزوها برای بهروزی برای شما پدر، مادر و همسر، برادران عزیز، خواهر بسیار گرامیم مریم. عزیزان من اکنون که در اوپسین لحظات حیات خود قرار گرفته‌ام قلبم سرشار از مهر و محبت شماست و برای شما و همه اقوام و عزیزان و انسانهای شرافتمند می‌تپد. پدر بسیار گرامی شاید فکر کنی که این فرزندت از زحمات و عواطف بی‌دریغ شما غافل بوده است اما زندگی به بهترین شکل ممکن خلاف آن را نشان داده است. من همیشه بهروزی و شادگامی شما را آرزو کرده‌ام و اکنون نیز جز این آرزوی ندارم. مادر عزیزتر از جانم، تو ای دریای بی‌کران مهر و محبت و ای چشمه زلال انسانی افتخار می‌کنم که چون تو مادری داشته‌ام و در دامان پر عطوفت بزرگ شده‌ام. از شما تمنا دارم صبر و متانت خود را چون گذشته حفظ کنید و با تمام وجود برای تربیت کردن مریم عزیزم همت گمارید که این ازجمله آرزوهای من است.

و اما همسر مهربانم ایران من: ایران عزیز، جانان من قلب خود را یکبار برای همیشه بتو تقدیم نمودم. همسر خوب تو بیش از هرکسی با من و زندگی من آشنا بوده‌ای و به کنه احساسات و عواطف من واقف بوده‌ای که بهترین و صمیمانه‌ترین آرزوهایم سعادت تو است. عزیز من اگرچه مدت کوتاهی با هم زندگی کردیم اما سالهای سال تو آشنای دیرینه من بوده‌ای اکنون اگرچه این سطور را بعنوان آخرین گفتگو با محبوب خود بیان می‌کنم اما تو باید بدانی که زندگی جریان دارد و هیچگاه متوقف نخواهد شد. سعی کن حتماً تشکیل خانواده بدهی و نام اولین فرزند خود را جمشید بنهی. یار همیشه مادرم باش و سعی کن اندوه روزگاران را بر او تعدیل دهی. مادر گرامی و همه اهل خانواده را بجای من سلام برسان. اگرچه در زندگی هیچ چیزی نداشته‌ام اما هرآنچه هست متعلق به همسر من باشد.

با عمیقترین آرزوها برای بهروزی شما  
جمشید سپهوند ۶۴/۶/۳۱



بمناسبت سالگرد رویداد تاریخی ۱۶ آذر  
بقیه از صفحه ۴

همه ما کمونیستها باید به این واقعیت مشخص توجه کنیم که اختلافات بین سازمانهای مختلف جنبش کمونیستی و تلقیها و ارزیابیهای مختلف ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی آنها طی سالها شکل گرفته است. ماهیت، کمیت و کیفیت این اختلافات بر حسب مورد متفاوت است. این اختلافات بکسب بوجود نیامده اند و یکسبه نیز از میان نخواهند رفت. اما آنچه از پیش مسلم است، بدون تلاش مسئولانه و آگاهانه سازمانهای چپ و بویژه رهبری این سازمانها روند تشکیل حزب پیشاهنگ طبقه کارگر، سالها عقب خواهد افتاد. پیروسی تشکیل حزب روندی خودبخودی نیست. آنان که به ضرورت تشکیل حزب اعتقاد دارند، آنان که مصالح جنبش کارگری را مافوق مصالح گروهی قرار می دهند باید برای تشکیل چنین حزبی آگاهانه و از روی نقشه معین تلاش کنند.

بهر حال تا آنجا که به ما مربوط می شود، برای نزدیکی کمونیستها و شکل گیری ثقل نیرومندی از انقلابیون کمونیست باید از یکسو نسبت به همه ضعفهای گذشته و حالمان در تمامی زمینه های ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی سخت گیر باشیم و با روح خلاق و انتقادی مارکسیسم با این ضعفها برخورد کنیم و از سوی دیگر آن چنان که در گزارش سیاسی پلنوم ششم کمیته مرکزی سازمان آمده، با پیشبرد مبارزه قاطع علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و در راه تحقق خواسته های عادلانه مردم ایران و نیز با تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر برای نزدیکی همه کمونیستهایی که خواستار تشکیل حزبی واقعا انقلابی و دموکراتیک اند، زمینه های وحدت رزمنده جنبش کمونیستی ایران و اتحاد همه نیروهای مترقی را هموار سازیم.

در این تلاش، ما به مبارزه انقلابی و خستگی ناپذیر فدائیان خلق در سراسر میهن، به تجارب جنبش کمونیستی، به تجارب ارزشمند و مواضع انقلابی سازمانمان و مهمتر از همه به مبارزات رو به رشد کارگران و زحمتکشان ایران متکی هستیم.

س: علل تشدید شکنجه و اعدام و به راه انداختن موج جدید کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی را چگونه ارزیابی می کنید؟

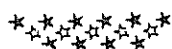
ج: وجود دهها هزار زندانی، اعمال وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی و کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی بارزترین نشانه وجود مبارزه و مقاومت است. گسترش زندانها و تشدید شکنجه و اعدام که بویژه در چند ماهه اخیر شاهد آن بوده ایم، بهترین گواه بر رشد مبارزه و مقاومت در بیرون و درون زندانها و شکست رژیم در سرکوب جنبش و متلاشی ساختن نیروهای انقلابی و ترقیخواه است. این اعدامها، انتقامی است که رژیم از مقاومت عادلانه مردم ایران، از ادامه حیات زرمنده نیروهای انقلابی و ترقیخواه و از ایستادگی قهرمانانه زندانیان سیاسی ایران می گیرد و تا مبارزه و مقاومت ادامه دارد یعنی تا سرنگونی این رژیم جنایتکار، شکنجه و اعدام هم خواهد بود. اما همه این بازداشتها، شکنجه ها و اعدامها، برخلاف تصور رژیم خمینی و همه مرتجعان جهان، هرگز نخواهد توانست ازاده خلق و اراده انقلابیون را سست کند و یا از شمار آنان بکاهد. بلکه شعله های مقاومت را گسترش می دهد، کینه و خشم انقلابیون را ده چندان می سازد و از میان این شعله ها و کینه های مقدس، ارتش انقلابیون مدام نیرومندتر، مصمم تر و پرشارتر می شود و علیه ارتجاع و در راه آزادی و عدالت، قاطع تر و موثرتر می رزمند.

بهترین ستایش ما از همزمان قهرمانان که جان را تسلیم دشمن می کنند و تسلیم نمی شوند آن

است که صفوف خود را علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و در راه آرمانمان هر چه فشرده تر سازیم و خود را برای جزوترین فداکاریها آماده نگه داریم. فقط با آمادگی کامل برای بالاترین فداکاریها است که می توانیم شایستگی آن را داشته باشیم که همرمز آتانی باشیم که جان خود را فدای آرمانشان کرده اند، همرمز آتانی باشیم که با مقاومت و مبارزه حماسی خود در سراسر ایران و در بیرون و درون زندانهای رژیم، هر روز حماسه های نو در راه آرمانمان می آفرینند.

این مبارزات و مقاومتها حماسی به همه ما که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی که با همه مردم ایران، با تمام سنن و فرهنگ ملی ما و با ابتدائی ترین حقوق انسان دشمن است مبارزه می کنیم نوید آن را می دهد که روز پیروزی خیلی دور نیست. روزی که زندانها را به مدرسه و دانشگاه تبدیل کنیم و خاطره هزاران شهید خلق را بر ویرانه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرامی داریم و با استقرار عدالت و آزادی حرمت انسان را برای همیشه پاس داریم و آغاز کنیم به ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد و سربلنده. ما برای تحقق این پیروزی با همه توانمان می رزمیم و از همه انقلابیون کمونیست و نیروهای ترقیخواه غیر کمونیست دعوت می کنیم که شجاعانه هر مانعی را که در راه فشرده ساختن ایوژیسیون انقلابی و ترقیخواه ایران است از میان بردارند تا لحظه پیروزی نزدیکتر گردد.

با این امید که همه ما تبعیدیان نیز هر چه زودتر در کوچه ها و خیابانهای میهنمان، هوای آزادی و عدالت را تنفس کنیم و هم میهنان و همزمانان را در آغوش گیریم.



سپرده میشوند بهر طریق ممکن و در گسترده ترین سطح بگوش توده ها برسانیم.  
در راه ایجاد هماهنگی بیشتر و سازماندهی

مبارزات خانواده های زندانیان سیاسی، از تجارب مبارزاتی خانواده های زندانیان سیاسی ایران و سایر کشورهای جهان بهره گیریم و شیوه ها و راههای شر بخشی بیشتر مبارزه در این عرصه را بکار بندیم. توده های شهر و محل را به شرکت در مراسم بزرگداشت فرزندان اعدام شده مردم ترغیب کنیم و اعتراضات و مبارزات پراکنده را با طرح شعار " زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و شعارهای مناسب دیگر علیه شکنجه و اعدام، هماهنگ و هم جهت کنیم. فریاد اعتراض مردم ایران را نسبت به جنایات رژیم در هر کوی و برزن ایران و در هر گوشه جهان، بگوش مردم سراسر جهان برسانیم و در راه افشاء گسترده تر رژیم، برای برانداختن یوغ ستم و اختناق آن و تامین آزادی مردم و میهن ستم کشیده مان با تمام توان مبارزه را گسترش دهیم.

زندانیان سیاسی، میان خانواده های زندانیان سیاسی و مردم شهر و محل روز بروز گسترده تر میشود. علیرغم تشدید فشار خفقان و علیرغم گسترش ماشینهای گشت پاسداران و کمیته چی ها، مراسم یادبود و گرامیداشت خاطره اعدام شدگان با حضور و اجتماع گروههای قابل ملاحظه ای از مردم برگزار می شود و کینه و نفرت عمیق توده های نثار جنایتکاران جمهوری اسلامی میشود. موج نفرت و بیزاری از سفاکان جمهوری اسلامی، تراکم احساس کینه و انتقام نسبت به آنان و حمایت و جانبداری از زندانیان سیاسی در اعماق جامعه و در میان توده های میلیونی مردم میهن ما روز بروز رو بگسترش دارد. در راه دفاع از زندانیان سیاسی، در راه افشای جنایات مکرر و ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی و در راه ارتقاء و سازماندهی مبارزه مردم علیه شکنجه و کشتارهای پیگیر و متحدانه را باید به پیش بریم.

اخبار جنایات رژیم، شکنجه ها و اعدامهای بیشمار مردان و زنان آزادیخواهی را که در اسارتگاههای رژیم جمهوری اسلامی، بچوخه اعدام

اعدامهای دستجمعی زندانیان سیاسی،  
بقیه از صفحه ۵

شده در انتظار توده ها، بار دیگر به اعدام دستجمعی زندانیان سیاسی دست زد و همزمان با تشدید اختلافات و دعوای درون حکومتی و بدنبال انتصاب موسوی خوئینیها بعنوان دادستان کل کشور، موجی از اعدامهای دستجمعی و مخفیانه را در زندان اوین برآه انداخت. این اعدامها بروشنی دلیل آنست که مقاومت و ایستادگی زندانیان سیاسی در زندانهای بیشمار جمهوری اسلامی و روند گسترش مخالفت و مبارزه مردم علیه شکنجه و اعدام رو به گسترش دارد و رژیم با همه سفاکیهایش، در خاموش کردن شعله مقاومت و مبارزه در زندان و در جامعه، شکست خورده است و بدینطریق به انتقامجویی وحشیانه متوسل میشود. این رژیم نمی تواند بدون شکنجه و کشتار و بدون افزودن بر شمار زندانها و زندانبانها به حیات ننگین خود ادامه دهد. اما مردم هم این جنایات رژیم را با گسترش مبارزه علیه رژیم و در دفاع از زندانیان سیاسی پاسخ میگویند. همبستگی میان خانواده های



## نیازهای رشد آتی جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۱  
از همه بردوش آنها فشار می‌آورد و خواست افزایش دستمزدها بوده است. مطالبه افزایش دستمزد از - طرف بخشهای وسیعی از کارگران سراسر ایران، تحت شعار واحدی نیز بیان شده است. رشد همگرائی در مطالبات و طرح شعارهای واحد مطالباتی در جنبش به سراسری شدن جنبش کارگری و وحدت آن یاری می‌کند و خود نشان دهنده رشد این جنبش است. البته مبارزه برای افزایش دستمزد تحت عنوان شعارهای دیگری نظیر "اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل"، "پاداش افزایش تولید" و ... در میان کارگران جریان داشته و دارد. هم چنین، کارگران علیه زیر پا گذاشتن حقوق کار توسط جمهوری اسلامی، علیه افزایش شدت کار و زمان کار، علیه محرومیت از حق بیمه و درمان و ... مبارزه می‌کنند و خواستار حقوق خود میشوند. در موارد متعددی مبارزات کارگران به دفاع از همکاران بازداشتی و اخراجی و برانداز حق انتخاب نمایندگان واقعی خود توسعه یافته است. در کنار این مبارزات صنفی طبقه کارگر، مبارزات سیاسی کارگران بخصوص علیه جنگ به شکل مخالفت و اعتراض به کسر حقوق آنها و اخذ کمکهای اجباری برای جبهه‌های جنگ ارتجایی نیز بروز یافته است.

حرکات اعتراضی کارگری، خیلی زود با واکنش رژیم ضدکارگری حاکم روبرو شد. در نیمه اول سال ۶۲ شورای امنیت کشور با حضور سرحدی‌زاده وزیر ضدکارگر کار و هاشمی وزیر رسوای اسبق وزارت صنایع به تکاپو افتاد تا برای مهار و سرکوب مبارزات عادلانه و حقیقت‌پسندانه کارگران و نیز قلع و قمع کارگران، رامحلهائی را پیدا کنند. عمال ضدکارگر رژیم، در آن هنگام، بقصد نابودی جنبش کارگری، ضمن تکیه بر بکارگیری وحشیانه‌ترین و عریان‌ترین شیوه‌های سرکوب، به استفاده از نفوذ عناصر جاسوس انجمن اسلامی در رهبری مبارزات برای شناسائی فعالین و به انحراف کشاندن جنبش از درون نیز توجه داشتند. ولی آنها بسیار زود از این توطئه خود ناامید گشتند. آنها حتی از پاسخ به پیش افتاده‌ترین حقوق کارگران ابا داشته و عناصر وابسته رژیم و انجمن‌های جاسوسی اسلامی رو در روی کارگران دشمنی خود را با کارگران آشکار ساختند. بنابراین رژیم در نهایت ددمنشی تصمیم گرفت که هر اعتصاب و اعتراض کارگری را سرکوب کند. شورای ضدمدرمی امنیت با مشاورت مقامات ضدکارگر بمنظور اجرای تصمیمات جنایتکارانه‌شان، در جوار شوراها امنیتی استانی رژیم، کمیته‌هایی برای سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری ایجاد می‌کنند. اعضای تشکیل‌دهنده این کمیته‌ها از سرسپرده‌ترین و هارترین مزدوران رژیم یعنی نماینده استاندار، نماینده حاکم شرع، نماینده اداره کل کار، نماینده سپاه پاسداران و نماینده کمیته اسلامی تعیین میشوند. کارگران زیادی تا کنون توسط این کمیته‌های ضدکارگری بدون هیچ مجوزی، در حین اعتصاب به بازجویی فراخوانده شده و مورد تهدید و ارباب قرار گرفته‌اند. عده دیگری از کارگران بنا به تصمیم

همین مزدوران "لشکر اسلام" از کار برکنار شده‌اند. در کارخانجات بسیاری در حین اعتصاب نیروهای هار سپاه و کمیته اسلامی و دادستانی جنایتکار با همدستی انجمن‌های جاسوسی اسلامی به جو ارباب و وحشت دامن زده‌اند. و بالاخره خیلی از کارگران از میان خانواده و یا در فاصله محل کار و خانه ربوده شده و روزها و گاهی ماهها بدون هیچ دلیلی در سپاه‌چالهای رژیم گرفتار شده‌اند. بدلیل عدم آمادگی قبلی کارگران برای روبروشی با رژیم، مبارزات آنها، علیرغم دستاوردهائی، تاکنون به نتایج مطلوب در تحقق مطالبات منجر نشده است. مبارزات کارگران در نیمه اول سال ۶۴، تحت تاثیر سرکوب لجام گسیخته رژیم جمهوری اسلامی، عمدتاً در شکل کم‌کاری بسیار گسترده ادامه یافته است. طی این مدت با وجود ادامه مبارزه اعتصابی و منجمله اعتصاب کارگران پالایشگاه بیدبلند در جاده آفاجاری - بهبهان و اعتصاب و مبارزه کارگران کارخانه ریسندگی فومنت در رشت، جنبش کارگری پوشیده‌تر ادامه یافته است. اقدامات وحشیانه علیه جنبش کارگری این اندیشه را بطور جدی در بین کارگران نفوذ داده که باید مجهزتر و سازمان‌یافته‌تر مبارزه کرد. دست زدن به اعتصابات همزمان چند واحد کارگری با هم، یکی از تاکتیکهائی است که می‌تواند در این جهت مورد استفاده واقع شود. همزمانی اعتصابات کارگران کارخانجات مختلف، رژیم را بر آن واحد درگیر کانونهای اعتصابی متعدد می‌کند. اعتصاب چند کارخانه با هم انعکاس وسیعتری در افکار دیگر زحمتکش‌شان داشته و در جلب حمایت آنان موثرتر خواهد بود و بر نتیجه قدرت سرکوب رژیم را، اعتصابات همزمان کاهش میدهد. دقیقاً بهمین دلیل است که همزمان با اعتصاب بزرگ کارگران نوب آهن اصفهان، شورای امنیت کشور طی بخشنامه محرمانه به کمیته‌های ویژه سرکوب کارگران در سراسر ایران از آنها خواست که بهر ترتیبی شده است، هر اعتصابی را مانع شوند. خواسته‌های مبرم کنونی کارگران بخصوص خواست واحد کارگران ایران، "افزایش دستمزدها" و سرکوب رژیم هار و ضدکارگری خمینی، جنبش کارگری و پیشروان آنرا به سمت تجهیز و سازماندهی بهتر سوق میدهد. گرایش به وحدت عمل و اقدام مشترک علیه رژیم و برای مطالبات مبرم درون جنبش کارگری رشد میکند و ضرورت مبارزه با پراکندگی جنبش کارگران و پیشروان کارگری آنها هر چه بیشتر درک میشود. در پاسخ به این ضرورت، یعنی سازماندهی بهتر جنبش کارگری چه باید کرد؟

کارگران برای مبارزه خود ناچارند سازمان‌یافته اقدام کنند. رژیم خمینی با استعداد بیشتر هر گونه حقوق کارگران را برای ایجاد سازمانهای اتحادیه‌ای لگدمال کرده تا بلکه بتواند جنبش کارگری را از مبارزه بازدارد. ناگزیر تشکلهای مخفی درون جنبش کارگری بوجود آمده و می‌ایند. کارگران آگاهتر و پیشرو که ضرورت مبارزه هر روز آنها را بهتر آموزش داده و بار می‌آورند، درک می‌کنند که برای سازماندهی مبارزه باید جلو بیفتند و مخفیانه امکان هماهنگی کارگران و وحدت اراده آنها را تأمین کنند تا مبارزه پیش برود. روابط مخفیانه

بین کارگران در طول مبارزات اعتراضی و اعتصابی واقع شده و جاری مستحکم‌تر شده و کارگران هم اینک مجرب‌تر عمل می‌کنند. با وجود این هنوز آنها برای سازماندهی مخفی مبارزه خود نیاز به رشد بیشتری دارند. مبارزه پیچیده‌ای که کارگران به پیش می‌برند و آنرا مخفیانه سازماندهی می‌کنند نیاز به تجارب سیاسی و سازمانی بیشتری دارد. کارگران تاکنون بارها مورد تصفیه و پاکسازی انجمن‌ها و ادارات جاسوسی رژیم قرار گرفته‌اند و بنابراین از بخش قابل توجهی از رهبران با تجربه خود فعلاً محروم و نیازشان به تجارب مبارزاتی جدی‌تر شده است. پیشروی آتی جنبش کارگری به تأمین این نیاز بستگی تام دارد. کمونیستها میتوانند و باید بیه این نیاز پاسخ دهند. برای اینکار باید رابطه بین کمونیستها و پیشروان کارگری، گسترده و فعالتر شود.

سازمان ما و برخی از دیگر جریان‌های جنبش برای سازماندهی مخفی مبارزات کارگری شعار ایجاد هسته‌های مخفی پیشروان کارگری را اعلام کرده‌اند. تا آنجا که گزارشات ما نشان میدهند به استثناء مواردی، این شعار هنوز به شیوه صحیحی درک و بکار گرفته نشده است. موارد متعددی از گزارشات نشان میدهند که تنها به طرح و تبلیغ ضرورت هسته‌های مخفی کارگری آنهم بدون تشریح و توضیح نحوه عمل و وظایف آن، پرداخته شده است. این در حالی بوده که اعتصابات کارگری با تکیه به روابطی که پیشروان کارگری بنا به ضرورت بین خود و نیز بین خود با همکارانشان برقرار کرده بودند، سازماندهی شده‌اند. در بعضی از گزارشات دریافتی مشاهده میشود که نیروهای سازمانهای مختلف جنبش کمونیستی آنجا که دست به اقدام عملی در جهت ایجاد هسته مخفی می‌زنند، با وجود تلاشهایی که میکنند، بدلیل درک ذهنی از نحوه تحقق این شعار به شیوه‌هایی از عمل مبادرت می‌کنند که به نتایج مطلوب منجر نمی‌شود. مثلاً در گزارشی ملاحظه میشود عمده‌ترین مسئله‌ای که ذهن نیروها را در رابطه با تشکیل هسته مخفی در موسسه‌ای مشغول داشته بود، درک اول‌تهدیه و تنظیم اساسنامه هسته مخفی بوده است. این مباحث در حالی ادامه داشت که در همان موسسه کارگران آگاهتر و مبارزتر با اتکاء به مناسبات مخفیانه خود حرکت اعتراضی سازمان‌یافته‌ای را هدایت میکردند، و آنها موفق شدند با هدایت سنجیده حرکت اعتراضی تمام اقدامات مزدوران رژیم، مدیریت، انجمن جاسوسی اسلامی، اداره کار، نماینده امام جمعه مزدور و ... را نقش بر آب و نهایتاً آنها را افشاء و وادار به عقب‌نشینی کنند.

در مورد دیگری، در تماس بین یکی از فعالین کارگری گروه دیگر با رفقای ما طرح تشکیل صندوق مخفی اعتصاب مطرح میشود و این در هنگامی بود که در آن موسسه کارگران مطالبات و سطح دیگری از مبارزه اعتراضی را پیش می‌بردند.

نحوه فعالیت کمونیستها در قبال تشکلهای مخفی کارگران که نمونه‌هایی از آن را در بالا اشاره کردیم، ناشی از درکی ذهنی، کلیشه‌ای تاحدی بوروکراتیک از این وظیفه است. این درک بقیه در صفحه ۱۰

# برای افزایش دستمزدها مبارزه کنیم

**نیازهای رشد آتی جنبش کارگری بقیه از صفحه ۹**

برای اجرای وظایف مربوط به امر سازمانگری مبارزه کارگران هر موسسه، مرحله‌ای از پیش مفروض قائل می‌شود. مثلاً اول عناصر هسته مخفی مشخص شوند، هر کدام از آنها به ضرورت وجود چنین هسته‌ای بی‌بهرند، جلسات هسته تدارک شوند، اساسنامه هسته تصویب شود و... تا بعداً به سازماندهی مبارزه کارگران پرداخته شود. اما واقعیت مطابق این ذهنیت جریان نمی‌یابد. کارگران پیشرو در شرایط سرکوب بیرحمانه خمینی، ناچارند احتیاط را از دست ندهند. آنها به روابط فی‌مابین‌شان که گاه‌گاه طی سالها کار و زندگی و مبارزه شکل گرفته، تکیه می‌کنند و از این طریق مبارزه را سازماندهی می‌کنند، در عین حال ممکن است برای مدتی از دادن هر گونه عنوان و رسمیتی به این فعالیتشان خودداری کنند. البته اینرا میتوان انتظار داشت که هم‌اکنون پیشروانی از جنبش کارگری به آن حد از تجربه غنی دست یافته باشند که با آمادگی کامل در هسته‌های مخفی اتحادیه‌ای شرکت کنند. هم‌چنین طبیعی است که در موقعیت رشد بیشتر جنبش کارگری و بنا به ضرورت پاسخ به مسائل پیچیده‌تر جنبش کارگری بمرور مناسبات بین کارگران پیشرو منظم‌تر و از لحاظ شکل به هسته مخفی هر چه نزدیکتر شوند. اما اشتباه است که در هر کارخانه‌ای و در هر مرحله از رشد حرکت کارگری نقطه عزیمت خود را برای سازماندهی مخفی مبارزه کارگران و پیوند گرفتن با پیشروان کارگری بمنظور سازماندهی مخفی مبارزه کارگران، بر مبنای روابط منجم و در حد خود پیشرفته هسته مخفی پیشروان قرار دهیم. پیداست که اگر فعالین چنین اشتباهی را مرتکب شوند، کارگران پیشرو راه خود را خواهند رفت و کمونیست‌ها از انجام موفقیت آمیز وظائف خود در قبال سازماندهی جنبش کارگری باز می‌مانند. واحدهای پایه‌ای و گروههای هوادار سازمان و سایر کمونیست‌ها، ضمن اینکه به تبلیغ شعار ایجاد هسته‌های مخفی اقدام می‌کنند و به تلاش خود برای انسجام روابط پیشروان کارگری تا حد

هسته مخفی ادامه می‌دهند، باید با اتکاء به مناسبات مبارزاتی که کارگران مدت‌هاست مخفیانه بوجود آورده‌اند، هر چه فعالیت به هدایت عملی مبارزات جاری کارگران بپردازند. واحدهای پایه‌ای و گروههای هوادار سازمان باید از طریق فعالین و رابطین خود با کارگران پاسخ معضلات مشخص مبارزات جاری را به آنها برسانند و اینکار را موقوف به ایجاد هسته مخفی نکنند. اکنون مسائلی که کمونیست‌ها باید برای کارگران کارخانجات مختلف روشن کنند تعیین تاکتیکهای منعطف مبارزه در زمینه شعارهای مشخص مبارزه، مناسبترین شکل، زمان و لحظه حرکت میباشد. بر اساس رهنمودهایی در این زمینه میتوان برای ارتقاء کیفیت مناسبات مخفیانه بین کارگران کوشید. رهنمودهایی در اختیار پیشروان کارگری قرار داد. هم‌اکنون مسائل هدایت عملی اعتراضات و اعتراضات کارگری را باید حل کرد. موفقیت هر واحد پایه‌ای و گروه کمونیستی در پاسخ به این وظایف امکان می‌دهد روابط مخفیانه کارگران را در جهت ایجاد هسته مخفی کارگران پیشرو رشد داده و بر اساس تجارب عملی پیشروان درک آنها را از ضرورت انسجام روابط مخفی فی‌مابین بمرور تا حد هسته مخفی اتحادیه‌ای ارتقاء دهد.

ادامه مبارزه واحدهای پایه‌ای و گروههای هوادار سازمان، در امر سازماندهی مبارزه مخفی کارگران تجارب زیادی را فراهم خواهد ساخت. نکته‌ای که در فعالیت برای سازماندهی مخفی کارگران اهمیت بسیار دارد توجه به تناقضی است که در شکل مخفی کار و الزام فعالیت هر چه دامنه‌دارتر برای آگاهی کارگران در هر حرکت مشخص وجود دارد. سازمانیافتگی هر جنبش و درجه موفقیت آن رابطه مستقیمی با حد تلاش آگاهگرانه که از طرف رهبران آن حرکت صورت می‌گیرد، دارد. معمولاً کارگران پیشرو به این مسئله توجه دارند. اما بهر جهت خصلت مخفیانه فعالیت مشکلاتی در این زمینه ایجاد می‌کند. بنابراین کمونیست‌ها باید با حساسیت نحوه فعالیت هر چه دامنه‌دارتر کار آگاهگرانه بخصوص قبل و در

حین هر حرکت را دنبال کنند و برای بهبود آن رهنمودهایی بدهند. باید نظرات کارگران در ارتباط با درخواست‌ها، شکل حرکت، زمان آن، انعطافهایی که در حین حرکت لازم است و... حتی المقدور دریافت و مورد توجه قرار گیرند. این روش کار و رعایت نوعی از دموکراسی در سازماندهی مخفی، نه تنها از شرایط لازم پیروزی هر مبارزه و جنبش کارگری است بلکه با گذشت زمان کارگران پیشرو را هر چه بیشتر در موضع رهبران و نمایندگان واقعی سایر کارگران تثبیت می‌کند. روابط و مناسبات مخفیانه مبارزاتی درون کارگران و منجمه بین کارگران پیشرو که میتواند تا سطح هسته مخفی نیز ارتقاء یابد، نطفه‌های اتحادیه‌های پرنفوذ کارگری آینده هستند. هم‌زمان با تبلیغات و افشاگریهای سیاسی، انجام هر چه کاملتر وظایفمان در قبال سازماندهی مبارزات کارگری و در شرایط کنونی با اتکاء به روابط مخفی و هسته‌های مخفی، از نقطه نظر مصالح کنونی و آتی طبقه کارگر حائز اهمیت جدی است. طبقه کارگر برای داشتن صف مستقل در عرصه مبارزات سرنوشت‌ساز آتی، باید سازمانهای مستقل خود را داشته باشد و اساساً به این سازمانها باید تکیه کند. سازمانهای اتحادیه‌ای در این رابطه برای مبارزات کنونی و چشم‌انداز آن دارای اهمیت هستند. فعالیت‌های حتی کند امروز کمونیست‌ها درون جنبش کارگری و تشکلهای مخفی و نیمه‌مخفی آن، یکی از مهمترین وظایفمان در راستای شکل مستقل طبقه کارگر است. به همین دلیل است که فعالیت تبلیغاتی و گسترش صفوف سازمان باید با هدف تقویت کار سازمانگرانه درون جنبش توده‌ای و عمدتاً جنبش کارگری انجام گیرد. موفقیت هر واحد پایه‌ای و یا گروه هوادار سازمان در هدایت پیروزمند جنبش کارگران حوزه تحت فعالیت خود، از کانال کارگران پیشرو همان موسسات، رابطه آن واحد با کارگران را هر چه مستحکمتر کرده و نقش آن را در مبارزات آتی بالا می‌برد. این درست تحقق شعار سمت‌گیری کارگری - توده‌ای است که سازمان برای آن مبارزه می‌کند.

**در بدر بدنبال خیام نیشابوری**

زندگی و بیزار از مرگ یکمرتبه کافر می‌شود. خطبه خوان می‌گوید: «ساله مرگ، سایه خوف و وحشت بسیاری از دانشمندان از جمله حکیم عمر خیام نیز بوده که این مسله در رباعیات وی مشهود می‌باشد و ساله مردن برای او نیز حل نشده بود.» و در بی آن می‌گوید: «اگر مومنی معتقد نباشد که مرگ یعنی انتقال به دنیای دیگر، ایمان ندارد و اساس ایمانش باطل است.»

حال از آن جا که یاسداران و حزب‌اللهی‌های کور و کر، چشم و دهانشان را به این آیت‌الله‌ها - شان دوخته‌اند، هیچ بعید نیست از فردا راه بیفتند و با این تصور که عمر خیام زنده است کوجه به کوجه دنبال او بگردند تا دست بسته او را به اوین ببرند و بخاطر مخالفتش با اسلام ققاعشی - بخوان بخاطر ستایشش از زندگی - او را حد بزنند.

جل‌الخالق

رژیم جمهوری اسلامی رژیم مضحکه است. رژیمی که محتاج نیستی برای اثبات مضحکه بودن آن از خودت داستان دربیآوری. نکبت و جهل و بیداد از سر و روی این حکومت می‌بارد. انگار بوجود آمده تا هر چه کثافت است روی سر و روی - ببخشد سر و ریش - خودش بریزد و بعد خاک شود. زعمایش هر چه از دهن‌شان درمی‌آید می‌گویند. مهم نیست که چه معنا می‌دهد. مهم این است که حرفی زده باشند. توی این بلبشو است که یکمرتبه می‌بینی یقه عمرخیام را هم می‌گیرند. محمدی کیلانی عضو فقهای شورای نگهبان در خطبه نخستین نماز جمعه ۹ آبان ماه، توصیف از مرگ و مزایای مردن را موضوع بحث خود قرار می‌دهد. تا اینجا به او و به حکومتی که اینان

**تشکل‌های مخفی کارگری را سازمان دهیم**

## تخریب منازل، بیخانمانی مردم

" بیش از ۳۰۰ واحد مسکونی غیر مجاز روبروی کوچه‌های فرسوده آجرپزی فیروزآباد شهری بوسیله ماموران شهرداری مناطق ۲۰، ۱۴ و ۶ تهران و باحضور ماموران انتظامی تخریب شد. در عملیات تخریب که از ساعت حدود ۲۴ دوشنبه شب گذشته تا ساعت ۵ بامداد سه‌شنبه صورت گرفت، در چند مورد منجر به درگیری شد که در این ماجرا چندین نفر مجروح شدند... یک شاهد عینی... اظهار داشت: با چشمان خود دیدم که ماموران تخریب بدون توجه به اینکه اهالی منطقه در منزل هستند بکدستگاه واحد مسکونی را خراب کردند... ماموران تخریب به‌سبب چندین دستگاه لودر، بولدوزر و کمپرسی، پس از اتمام عملیات تخریب خانه‌های مسکونی، کلیه آجرها، خاک و دیگر مصالح ساختمانی را که در میان آنها تعدادی وسائل و لوازم خانگی نیز بچشم می‌خورد جمع‌آوری کرده و در حالیکه ماموران انتظامی در منطقه مستقر بودند، به نقطه نامعلومی انتقال دادند... معاون شهرداری تهران در مورد علت تخریب منطقه فوق گفت: از مدتی قبل یک عده افراد غیربومی به زمینهای کشاورزی و اوقافی مربوط به حضرت شاه عبدالعظیم تجاوز کرده و بدون هیچگونه مجوزی اقدام به احداث بنا نمودند و با توجه به اینکه این اشخاص فاقد سند و یا جواز ساختمان بوده و... مامورین شهرداری با پشتیبانی مامورین انتظامی کمیته و ژاندارمری رفع خلاف کرده و تعدادی از متخلفین و مسببین درگیری بخصوص آتشی که مقابله غیرقانونی کردند را دستگیر و تحویل مقامات قضائی دادند... کارگری که دارای ۷ نفر عائله می‌باشد اظهار داشت: پس از مدت‌ها تلاش و زحمت یک قطعه زمین خریداری کرده و با تحمل مصائب گوناگون آنرا تبدیل به ساختمان و سرباهی برای خانواده خود کردم که اینک شهرداری آنرا تبدیل به تلی از خاک کرده است... (کیهان ۲۰ تیر ۱۳۶۴).

خبر گویاست. اما آنچه که این خبر، تازه بعد از تغییرات و سانسور معمول، بیان می‌کند فقط یک نمونه از اقدامات رژیم ویرانگر جمهوری اسلامی است. چیزی که روزنامه‌های وابسته به رژیم نمی‌توانند آنرا بیان کنند، این است که تخریب منازل مردم به بهانه‌های گوناگون، نه تنها یکبار و نه فقط در " فیروزآباد شهری" انجام می‌گیرد بلکه این جزئی از سیاستهای ضدانقلابی و ضد مردمی رژیم است که هر هفته و هرماه، در تهران و در شهرهای پرجمعیت دیگر، به اجرا درمی‌آید. چندماه پیش از واقعه مذکور، در منطقه افسریه تهران تعداد زیادی از منازل زحمتکشان تخریب شد. در خردادماه گذشته، بار دیگر مزدوران رژیم خانه‌های عده‌ای از کارگران و حاشیه‌نشینان در محله "خلیج مرکزی" (در جاده تهران - کرج) را ویران، و در مقابل اعتراض و مقاومت مردم حدود ۴۰ نفر را دستگیر کردند. در اوایل مردادماه، و بدنبال یورشهای مکرر ماموران رژیم، چندین خانه در منطقه حاشیه نشین "پونک" تخریب گردید.

رژیم جمهوری اسلامی، برای دفاع از مالکیت زمینداران بزرگ و به بهانه‌های گوناگون " تجاوز به

حرم زمینهای وقفی" و یا " فقدان سند و مجوز ساختمان" و " خارج از محدوده" و... خانه‌های کارگران و زحمتکشان را بر سر آنان خراب می‌کند. در همه این قبیل اقدامات، مزدوران مسلح خود را بسیج و منطقه مورد نظر را محاصره می‌کند، و در نیمه‌های شب همراه با لودر و بولدوزر وارد عمل شده و طی چند ساعت آشیانه‌های مردم را ویران و اندک دارائی و وسایل خانه آنها را نیز تاراج می‌کند، اعتراض و مقاومت ساکنان خانه‌ها و مردم منطقه را با تهاجم وحشیانه و تیراندازی سرکوب کرده و عده دیگری از مردم را دستگیر و روانه زندانهای خود می‌کند.

مشکل بیخانمانی و کمبود مسکن مردم، بویژه کارگران، زحمتکشان و اقشار کم درآمد، روز بروز شدت می‌یابد. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در جهت تخفیف این مشکل اقدامی نکرده بلکه با سیاستهای ضد مردمی و ناتوانی و بی‌لیاقتی خود این مشکل را تشدید کرده است. کارگران و زحمتکشان شهرها که برای رهایی از بیخانمانی و یافتن یک سرپناه به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند و مجبور می‌شوند با بریدن از نان فرزندان، فروش زیرانداز و قرض و قرضه و قول و آشنایان، خانه محقری با خشت و گل و بدون حداقل امکانات شهری بسازند، با بولدوزرهای ماموران شهرداری و تفنگهای کمیته‌چی‌ها و ژاندارمری روبرو می‌شوند. رژیم مدافع سرمایه‌داران که خود از تامین مسکن زحمتکشان ناتوان است، تلاشهای ناگزیر اینان برای ساختن سرپناه را با بولدوزر و تفنگ پاسخ می‌دهد و به بهانه نداشتن " سند و مجوز" خانه آنان را ویران می‌کند.

دولت جمهوری اسلامی، با همه تبلیغات کرکننده و فریبکارانه خود درباره " حمایت از مستضعفان" بنا به ادعای خود در طول سال ۱۳۶۳ در سراسر کشور فقط ۶۱۵۱ واحد مسکونی ساخته است (کیهان ۶۴۶۲)، در حالی که برای رفع مشکل مسکن در شهرها که اکنون بیش از ۲ میلیون واحد مسکونی کمبود دارد، بفرض ثابت ماندن جمعیت سالانه بایستی حداقل ۲۰۰۰۰ واحد جدید ساخته شود تا طی ده سال کمبود فعلی تامین شود. در همین حال، امکان خانه‌سازی هم برای بسیاری از مردم و بویژه کارگران و زحمتکشان، اصلاً وجود ندارد. واگذاری زمین به خانوارها که با مهابه‌ی فراوان از چند سال پیش شروع شده بود، به غیر از موارد محدود واگذاری در برخی شهرهای کوچک، در عمل موجب زدوبندها و تصرف زمینها از جانب سردمداران و عمال رژیم و واگذاری به نورچشمی‌ها گردیده و اکنون نیز عملاً متوقف شده است. پرداخت وام مسکن نیز وضعیتی مشابه واگذاری زمین دارد. در موارد اندکی که پس از سالها انتظار و با شرایط دشوار، چنین وامی پرداخت می‌شود، طبق نوشته مطبوعات وابسته به رژیم " برای مبلغ ۳ میلیون ریال وام احداث مسکن نزدیک به همین مبلغ یا بیشتر سود تعلق می‌گیرد" (کیهان ۶۴۶۲، ۶۴۶۳). تامین مصالح ساختمانی لازم برای احداث خانه نیز، بنوبه خود، مشکل بزرگی است. اغلب اینگونه مصالح ساختمانی در شرایط کنونی، باید از بازار

سیاه و به بهای گزاف خریداری شود. در چنین وضعیتی که ساخت و یا خرید خانه برای اغلب خانوارها بصورت مشکل لاینحلی درآمده است، مسئله اجاره نشینی هم بقوت خود باقیست و بلکه روز بروز حادثه می‌شود. اکنون در تهران و اغلب شهرهای بزرگ و پرجمعیت کشور، نه تنها مسکن اجاره‌ای به ندرت یافت می‌شود بلکه اجاره‌بهای آنها نیز مرتباً افزایش می‌یابد. اجاره یک اتاق خالی ماهانه بیش از ده هزار ریال و اجاره یک آپارتمان یک اتاق خوابی، حتی در پائین‌ترین نقطه شهر بیش از ۲۵۰۰۰ ریال است و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق صاحبان مستغلات بدون دریافت " ودیعه" حاضر به اجاره ملک خود نیستند.

رژیم جمهوری اسلامی که عملاً تمام راه‌ها را برای نجات زحمتکشان از بیخانمانی بسته و حتی، چنانکه دیدیم، خانه‌های ساخته شده آنها را به بهانه‌های گوناگون تخریب می‌کند، متقابلاً راه را برای فعالیت و سودجویی هرچه بیشتر سرمایه‌داران، زمینداران، صاحبان مستغلات و دلالان در این عرصه گشاده و می‌گشاید. اجرای قانون اراضی شهری در جهت واگذاری زمین به خانوارهای بدون مسکن عملاً متوقف می‌شود و در آئین‌نامه اجرایی این قانون تغییراتی در جهت ایجاد تسهیلات بیشتر برای " بخش خصوصی" و واگذاری زمین به سرمایه‌داران و شرکتی‌ها مانند " سازمان اقتصاد اسلامی" داده می‌شود. هم‌اکنون تدارک لازم برای لغو این قانون بطور کلی و " آزاد" کردن هرچه بیشتر دست سرمایه‌داران در مورد زمینهای شهری انجام می‌گیرد. در همین حال قانون صدور مجوز خرید مسکن نیز در مجلس لغو می‌شود و اندک محدودیت‌های موجود در زمینه بورس‌بازی خانه و مستغلات نیز رفع می‌شود. زمین، مصالح ساختمانی، اعتبارات سیستم بانکداری " اسلامی" و دیگر " تسهیلات" ضروری در اختیار سرمایه‌داران قرار می‌گیرد تا با فراغ خاطر بیشتر بتواند مسئله خانه و کاشانه مردم را در عرصه یز روتق دیگری از دلالی، بساز بفروشی و سودجویی‌های غارتگرانه خود تبدیل نمایند. حاصل این نیز جز تشدید مشکل مسکن برای کارگران و زحمتکشان نخواهد بود.

نظام سرمایه‌داری، بنا به ماهیت خود و بواسطه هرج و مرج مسلط بر بازار آن، هرگز نمی‌تواند مشکل مسکن کارگران و زحمتکشان را حل نماید. رژیم جمهوری اسلامی، رژیم مدافع سرمایه‌داران و زمینداران و تاجر بزرگ نیزه از این قاعده مستثنی نیست. علاوه بر این، این رژیم مبتنی بر بند و بست و فساد و رشوه‌خواری، که بخش مهمی از منابع ملی و حاصل دسترنج توده‌های زحمتکش را برای گرم تکه داشتن تنور جنگ خانمانسوز بکار گرفته و می‌گیرد، مشکل مسکن را باز هم تشدید کرده است. رهایی زحمتکشان از قید بی‌خانمانی و رفع مشکل مسکن تنها با نابودی این رژیم امکانپذیر است. تامین مسکن برای همه کارگران و زحمتکشان، فقط با ویرانی قوانین و شرایطی که محصول ناگزیر نظام سرمایه‌داری است میسر می‌شود. ●

## وقفه در تولید و تعطیلی کارخانجات

بحران اقتصادی رژیم هر روز عمیقتر می‌شود. بسیاری از کارخانجات و بنگاههای تولیدی بعلت کمبود مواد اولیه، نبود امکانات ادامه‌کاری، مقروض بودن و تعویق حقوق کارگران، سوء مدیریت و دلایل مختلف دیگر یا بحالت نیمه تعطیل و یا تعطیل کامل درمی‌آیند. در این میان بیکار شدن کارگران و اخراجهای دستجمعی آنان بصورت روزافزونی بر کارگران و زحمتکشان و خانواده‌هایشان، فشارهای بیشتری را وارد می‌آورد. طی ۳-۲ ماهه اخیر یعنی از اواسط شهریور تا کنون موج جدیدی از اخراج کارگران و تعطیلی موقت یا دائمی کارخانجات پدید آمده است:

• در اوایل شهریور ماه ۶۴ بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه لندرو از این کارخانه به بنز خاور منتقل شده‌اند. مدیریت کارخانه علت این امر را کمبود مواد اولیه و نبود امکان ادامه‌کاری در کارخانه لندرو اعلام کرد.

• کارخانه شیمیائی کرج با ۳۰۰ پرسنل در هفته اول شهریور ماه ۶۴ تعطیل و کارگران آن اخراج و تصفیه حساب شدند.

• کارخانه کف تولید کننده پودر و لوازم بهداشتی واقع در جاده قدیم تعطیل شده است و این امر در کمبود پودر و وسایل بهداشتی تاثیر داشته است.

• کارخانه کابل‌سازی ساوه علاوه بر مشکل کمبود مواد اولیه، با مساله بدهی‌های هنگفت نیز روبرو بود و در نتیجه ورشکست شده. طلبکاران آن مقدار از مواد اولیه (نظیر مس) را نیز که در انبارهای کارخانه موجود بود در ازاء مطالبات خود تصاحب کرده‌اند. کارخانه آجر ماشینی ورامین ورشکست اعلام شد.

• قسمتهای خط تولید قرص و پنی سیلین و لوازم آرایش سازی کارخانه تولیدارو نیز متوقف و تعطیل شده‌است.

• کارخانه‌های آزمایش، روغن نباتی، شیمیائی (سم سازی) کرج، زاکرس و چیت ری نیز دچار وقفه در تولید و تعطیل شده‌اند.

• کارخانه کیان تایر در جاده ساوه نیز با کاهش تولید روبروست و بزودی قسمتهائی از آن تعطیل خواهد شد.

• کارخانه نوافرم (تولید مهماتی) روبروی شرکت ساسان در جاده قدیم کرج با وقفه در تولید روبرو است.

• در کارخانه داروسازی واقع در جاده قدیم کرج بعلت نبود مواد اولیه خط تولید قسمتهای شربت سازی و قرص‌سازی تعطیل شده و در حال حاضر فقط قسمت آمپول سازی مشغول تولید است.

• در کارخانه‌های ایران خودرو، لندرو و فیات واقع در جاده مخصوص بعلت کمبود مواد اولیه، تولید بنحو فاحشی کاهش داشته‌است.

• کارخانه سیمان ری تعطیل شده است. دولت کارخانه سیمان ری را به بهانه آلوده نمودن محیط تعطیل کرده است. کارگران قدیمی را بازخرید و کارگران کم سابقه را به کارخانه سیمان تهران اعزام

• کاترپیلار واقع در جاده مخصوص کرج با ۵۵۰ نفر پرسنل بدلیل نبود وسایل کار و لوازم تعطیل شده‌است.

• باطری سازی مان واقع در شهر صنعتی ساوه که قوه‌های الکتریکی تولید و شارژ میکند و در نوع خود در خاورمیانه بی‌نظیر است تعطیل شده‌است.

• کارخانه کارتن سازی پارس بعلت فقدان مواد اولیه در حال حاضر دچار توقف تولید است.

علاوه بر این در بسیاری از کارخانجات که اضافه‌کاری برقرار بوده و کارخانجات بصورت سه شیفتی فعالیت میکرد اکنون اضافه‌کاریها متوقف و تعداد شیفتها نیز به یک شیفت کاهش یافته است.

## • اخراج کارگران ادامه دارد

• اخراج کارگران کارخانجات و کارگاههای مختلف بصورت پراکنده و یا دستجمعی در ۲ ماهه اخیر اوج تازه‌ای گرفته است. بنا به گزارشات واصله این اخراجها از کارگاههای کوچک لحاف دوزی تا موسسات عظیم شرکت نفت را در بر می‌گیرد:

• نزدیک به ۳۰ تن از کارگران کارخانه‌های کف (واقع در جاده قدیم) و بوتان (در جاده مخصوص) در نیمه دوم مهر ماه اخراج شده‌اند. در بین کارگران اخراجی بوتان کارگری با ۱۶ سال سابقه کار نیز وجود دارد.

• ۳۰۰ تن از پرسنل کارخانه شیمیائی کرج در هفته اول شهریور ماه، مورد تصفیه حساب و اخراج قرار گرفتند.

• در کارخانه کفش شادانپور، کارگران مجرد را به بهانه کاهش تولید و در واقع کمبود مواد اولیه، اخراج کرده‌اند.

• بر اساس طرح کاهش باجه‌های بلیط فروشی شرکت واحد، هزاران زحمتکش بلیط‌فروش در معرض بیکاری قرار گرفته‌اند.

• در تاریخ ۶۴، ۲۶، ۶۴ مدیریت کارخانه داروسازی... به بهانه‌های پوچ ۲ تن از کارگران مرد قسمت قرص سازی را اخراج کرد.

• شرکت نفت در اهواز قرارداد تعدادی از کارکنان بیمانی شرکت را تمدید نکرده است. مسئولین شرکت نفت منجمه از تمدید قرارداد ۳ نفر نقشه‌کش و ۲ نفر ماشین نویس اداره مهندسی خودداری کرده‌اند.

• همچنین بر اساس اخبار واصله در اواخر شهریور ماه ۶۴ به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی طی نامه‌های محرمانه‌ای دستوراتی درباره افزایش فشار بر کارکنان و کارمندان دولتی، صادر شده‌است. در یکی از نامه‌ها دستور لغو نام‌ها دستور لغو کلیه حقوق کارکنان و کارمندان موقت بیمانی و همچنین خودداری از تمدید قرارداد استخدامی تا اطلاع ثانوی، صادر شده‌است. در نامه دیگر به مسئولان وزارتخانه‌ها اختیار داده شده تا بر اساس صلاحدید خود ۵ درصد استخدامی‌ها را اخراج یا بازخرید و یا بازنشسته کنند.

• در مهدی شهر (سنگسر) تعداد ۱۳ کارخانه توسط هژبر یزدانی سرمایه‌دار جنایتکار ساخته شده بود که اکنون تعداد ۵ کارخانه راه‌اندازی شده است. از جمله کفش اطمینان، ریسندگی و بافندگی پاکریز، له‌ساز، س. س. و ... این کارخانه‌ها جمعا

حدود ۵ هزار کارگر و کارمند دارند. حاج طرخانی مسئول سرپرستی اموال هژبر یزدانی اعلام کرده است که کفش اطمینان با حدود ۱۰۰۰ کارگر و کارمند سوددهی ندارد و مسئولین کارخانه را موظف کرده است که در این رابطه فکری بکنند! نخستین اقدام دست نشانندگان حاج طرخانی اخراج ۴ نفر از کارگران کارخانه در ماه گذشته بوده است. هرچند این اخراج‌ها با عکس‌العمل شدید کارگران مواجه شده است اما بنظر می‌رسد که این اخراج‌ها ادامه یابد. این مساله باعث نگرانی کارگران این کارخانه شده است.

## • انجمن اسلامی مرتجع و منزوی

## بجای مدیریت دزد

• شرکت پارسیلون ( مرکب از لغات پارس و نابلون) جهت تولید نخ نابلون ۶ یکسره با ظرفیت سالانه ۱۶۰۰۰ تن در سال ۱۳۵۳ تاسیس گردید. این کارخانه در استان لرستان، در شهر خرم‌آباد و در ۸ کیلومتر جاده اندیمشک واقع است. طراح، ناظر و مجری اصلی طرح، شرکت زیر آلمان است و در حال حاضر کارشناسان آلمانی در این واحد فعالیت دارند.

• در حال حاضر واحدهای نخ‌ساز، تیک‌آپ، کشش و چله پیچ مشغول فعالیت هستند. تعداد کارکنان این شرکت حدود ۱۸۰۰ نفر است که در فصول مختلف این تعداد تغییر کرده و گاه به ۳۰۰۰ نفر می‌رسد. این شرکت تحت پوشش صنایع ملی بود که در تاریخ ۱۳۶۳، ۸، ۱۶ تحت پوشش بانک صنعت و معدن قرار گرفت. دفتر مرکزی این شرکت با تعداد حدود ۵۰ کارمند در تهران واقع است. مدیرعامل و قائم‌مقام این شرکت از طرف بانک و مدیران دولتی انتخاب شدند. این دو شخص (منصور رحمانی ذاکر و فریبرز نصیری) که حزب‌اللهی نبودند از همان آغاز شروع کار درگیری‌هایی با انجمن اسلامی شرکت داشتند.

انجمن اسلامی که پشتیبانانی مثل امام جمعه خرم‌آباد و نماینده خرم‌آباد در مجلس دارد از موضعی ارتجاعی‌تر به مدیریت حمله می‌کرد، در همین رابطه نیز نماینده خرم‌آباد در مجلس سئوالاتی در رابطه با مدیریت شرکت و وضعیت انجمن اسلامی در این شرکت از وزیر صنایع (آقای شافعی) در مجلس کرد، در این رابطه که ۱- علت انزوای برادران متعهد حزب‌اللهی چیست؟ ۲- چرا کارخانه تابحال راه‌اندازی نشده و چرا خارجیان هنوز با این هزینه سنگین در ایران هستند؟ ۳- علت انفجار دیگ بخار شماره ۱ کارخانه چه بوده است؟ ۴- چرا تابحال مبلغ ۴ میلیارد تومان در رابطه با کارخانه خرج شده اما هنوز راه‌اندازی نشده است؟ از طرفی وزیر صنایع و روسای بانک صنعت و معدن از مدیران شرکت در برابر انجمن اسلامی حمایت بعمل آوردند تا اینکه اتفاق جدیدی در شرکت رخ داد. مدیریت شرکت در رابطه با خرید مواد اولیه از خارج کشور مبلغ قزافی به جیب می‌زند که در همین رابطه انجمن اسلامی مطلع شده و دست به افشاگری می‌زند. از طرف دیگر مدیریت تقاضای چند دستگاه ویدئو جهت آموزش فنی نموده بود که انجمن اسلامی در این رابطه که مدیریت از

بقیه از صفحه ۱۲

این دستگاهها استفاده شخصی نموده است نیز دست به افشاشگری علیه مدیریت زد (قابل ذکر است که ویدئو می‌بایست فقط در رابطه با آموزش‌های اسلامی و استفاده غیرشخصی بکار گرفته شود و باید شخصی وزیر نیز این امر را مورد تاکید قرار دهد). بدنبال گسترش اعتراض انجمن اسلامی بانک صنعت و معدن مدیریت دیگری جایگزین مدیریت سابق نمود اما انجمن اسلامی دست از مخالفت خود برداشت تا اینکه سرانجام اعضای انجمن اسلامی بعنوان مدیریت شرکت از سوی مسئولین بانک صنعت و معدن انتخاب و جایگزین مدیریت شرکت شدند. عدم اطلاع اعضاء انجمن اسلامی در رابطه با مسائل پیچیده اداره و کار شرکت و برخوردهای قشری آنها با مسائل فنانگون بر موج اعتراض کارکنان علیه انجمن اسلامی افزود. درواقع کارکنان شرکت ابراز انزجار و تنفر خود را هم از انجمن اسلامی مرتجع و منزوی و هم از مدیریت دزد اعلام داشته‌اند. از طرف دیگر روزنامه‌های دولتی (کیهان و اطلاعات) اعلام نمودند که آقای منصور رحمانی ذاکر (مدیر شرکت که به جرم اختلاس کنار گذاشته شده بود) به سمت مدیر بخش بازرگانی بنیاد مستضعفان انتخاب شده است!!

### ● اعتراض دستجمعی کارگران

● کارگران کارخانه زامیاد طی یک حرکت هماهنگ نسبت به تعویق پرداخت دستمزد کارگران، دست به اعتراض دستجمعی زدند.

● کارگران کارخانه فولاد ایران، نسبت به اخراج یکی از همکاران خود توسط مدیریت ضدکارگر، در محوطه کارخانه بصورت دستجمعی به این اقدام ضدکارگری اعتراض کردند.

● کارگران کارخانه دام و طیور ایران جوجه در شهریور ماه ۶۴ علیه تصمیم دولت به بازگرداندن کارخانه به بخشی خصوصی دست به اعتراضات شدید زدند. در حال حاضر نیز کارگران این کارخانه با اقدام به اعتراضات دستجمعی و افشاگرانه به مبارزات خود ادامه می‌دهند.

### ● مبارزه کارگران ارج و رسوائی رژیم

بدنبال عوامفریبی‌های موسوی خوشبینی‌ها در برخورد با سرمایه‌داران، کارگران کارخانه ارج با توجه به موقعیت نسبتاً مناسب و امکاناتی که در نتیجه دعوای و کشمکش‌های دسته‌های داخلی رژیم پیش آمده بود، اعلام کردند که مدیریت کارخانه مورد پذیرش کارگران نیست و کارگران باید در مدیریت کارخانه نظارت داشته باشند. بدنبال این برخورد و افشاگریهای مکرر کارگران، مسئولین کارخانه پذیرفتند که برای انتخاب نمایندگان کارگران، انتخابات صورت گیرد. در اوایل مهرماه عده‌ای از کارگزاران دولتی با تعدادی صندوق جهت رای‌گیری در کارخانه حاضر شدند. در خلال رای‌گیری یکی از کارگران بر حسب تصادف (بازشدن لای در یکی از صندوقها) متوجه شد که صندوقها را از قبل پر کرده‌اند. کارگر مزبور شتابان بطرف قسمتهای دیگر رفت و با فریاد بلند به همکاران خود می‌گفت: " رای ندهید، اینها دارند سرمان کلاه

میگذارند، اینها در صندوقها رای ریخته‌اند و اینجا آورده‌اند." بدنبال این امر صدای اعتراض دستجمعی کارگران اوج گرفت و جو کارخانه متشنج شده. کارگزاران رژیم که قافیه را حساسی باخته بودند عنوان کردند که " اشتباه شده است این صندوق مربوط به کارخانه دیگری است که قبلاً رای گیری کرده‌ایم و اشتباهاً اینجا آورده‌ایم!" این رسوائی رژیم در برخورد با کارگران، در اکثر مجامع و محافل کارگری دهان بدهان می‌گشت.

### ● هجوم مزدوران رژیم به دست‌فروش‌ها

#### (بساطی‌ها) ادامه دارد

● در ماه گذشته درگیری شدیدی میان دست‌فروش‌های خیابان سپه با مزدوران شهرداری روی داد. در این درگیری شدید که منجر به زخمی شدن چند تن از مامورین شهرداری و چند نفر دستفروش شد، مزدوران کمیته انقلاب اسلامی نیز شرکت نمودند. مزدوران علاوه بر مصادره اموال دستفروشان تعدادی از آنان را دستگیر نمودند. این درگیری سبب شده بود تا برای چند ساعت راهنندگان شدیدی در منطقه بروز کند. اخیراً رژیم هجوم چند باره مزدوران خود را به دستفروش‌ها در دستور کار گذاشته است. مزدوران رژیم با طرح این مساله که دستفروش‌ها عامل ضدانقلاب هستند و نشریات و اعلامیه‌های ضد رژیم از طریق آنها پخش می‌شود! و با اینکه نوارها و لوازم " فسق و فجور!" می‌فروشند، به خیال خود بهترین توجیه را برای حمله به دستفروشان تدارک دیده‌اند. قابل ذکر است مناطقی که قبلاً دستفروشان آن مناطق جمع شده بودند بتدریج مورد استفاده قرار می‌گیرد و دستفروشان به محل کار خود برمی‌گردند! و این مساله باعث خشم شدید رژیم شده است.

### ● درگیری مردم بهیجان

#### (اطراف فیروز کوه و آمل)

#### با مزدوران رژیم

● در مردادماه درگیری شدیدی بین اهالی بهیجان و چوپانان سرپرستی اموال و چراگاههای بنیاد مستضعفان روی داد. (چوپانان همگی افغانی هستند که توسط بنیاد مستضعفان استخدام شده‌اند.) قضیه از اینقرار بود که بعد از انقلاب بخشی از چراگاههای متعلق به هژبر یزدانی و ارتش توسط مردم بومی منطقه مصادره شد و مردم از این مناطق جهت استفاده شخصی و چرای گوسفندان استفاده می‌کردند. طبق دستور حاج طرخانی نماینده امام و مسئول سرپرستی کلیه اموال هژبر یزدانی قرار بر این شد که مراتع و چراگاهها از مردم بومی پس گرفته شود و گوسفندان بنیاد و ارتش از این مناطق استفاده نمایند.

بهمین منظور تصمیم گرفته می‌شود که چوپانان افغانی گوسفندان بنیاد و ارتش را به منطقه ببرند. این مساله با مخالفت شدید مردم بومی مواجه می‌شود و درگیری شدیدی بین مردم و چوپانان افغانی بنیاد رخ می‌دهد. چوپانان افغانی بعد از تخریب چادرها و منازل مردم بومی به تعدادی از

زنان آنان نیز تجاوز می‌کنند. در همین رابطه یکی از زنان بومی توسط افغانی‌ها به دره‌ای برده می‌شود و ۷ تا ۸ افغانی مزدور او را مورد تجاوز قرار می‌دهند. با مطلع شدن مردم روستاهای اطراف از این جنایات باعث می‌شود که آنها به کمک مردم بومی بنیاد، مردم با شعار " مرگ بر بنیاد و مرگ بر طرخانی" به افغانی‌ها حمله می‌کنند و پس از ضرب و شتم شدید آنها، آنها را دستگیر و تحویل مقامات در آمل می‌دهند! پس از چند روز سپاه منطقه و حاج طرخانی به محل درگیری می‌آیند و تعداد زیادی از مردم دستگیر می‌شوند. در حال حاضر بنیاد مستضعفان با حمایت سپاه منطقه از این مناطق استفاده می‌کنند و چوپانان افغانی آزاد شده در منطقه جولان می‌دهند.

### ● تاکسی رانان علیه حکومت

● در تهران رانندگان تاکسی به اشکال مختلف تنفر و انزجار خود را از رژیم جمهوری اسلامی به نمایش می‌گذارند. تعبیه ضبط صوت در اکثر تاکسی‌ها همراه با پخش نوارهای متنوع ایرانی و خارجی، روشن نکردن کیلومتر شمار علیرغم تهدیدات شدید حکومت، اعتراض آشکار به گرانی و کمبود لوازم یدکی و تاکید بر اینکه انجمن اسلامی تاکسی‌رانان جاسوسی و آدم‌فروشی می‌کند، از مواردی است که به وضوح به چشم می‌خورد. از طرف دیگر بیکاری و گرانی سبب گردیده که بسیاری از رانندگان وسائط نقلیه شخصی اقدام به مسافرت می‌کنند و این امر نیز بشدت مورد اعتراض تاکسیرانان است. تاکسیرانان خواستار این هستند که وسایل یدکی و لاستیک ارزان و به مقدار کافی در اختیارشان قرار گیرد. مشکل مسکن و بیمه خدمات درمانی نیز از مشکلات دیگر تاکسیرانان است. انجمن اسلامی شرکت تاکسیرانی می‌کوشد تا به اشکال مختلف در رابطه با این نوع حرکات تاکسیرانان سد ایجاد نماید اما بنظر میرسد که حنای انجمن اسلامی از گذشته نیز بیرنگ‌تر شده باشد! این احتمال وجود دارد که حرکت اعتراضی تاکسیرانان در رابطه با خواسته‌هایشان قریب‌الوقوع باشد.

### ● مبارزه دهقانان آیده

#### و جنایات مالکان

شهرستان آیده در خوزستان، مرکز یکی از پرجمعیت ترین مناطق روستائی خوزستان است. در اطراف آیده نزدیک به ۱۰۰۰ روستای کوچک و بزرگ با سابقه مبارزات فعال دهقانی (بویره در سالهای پس از انقلاب) قرارداد و همه ساله بخصوص در فصل برداشت محصول درگیریهای متعدد میان دهقانان زحمتکش و مالکین مفتخوار که از حمایت ماموران دولتی برخوردارند بوجود می‌آید. در مراجعه به مقامات مسئول شهر آنان در پاسخ دهقانان می‌گویند " ما کاری از دستان در رابطه با زمینها بر نمی‌آید و ما نمیتوانیم دخالت کنیم." این پاسخ بیشرمانه به دهقانان از یکطرف و حمایت آشکار عملی از مالکین از طرف دیگر باعث شده که مالکین فشار هر چه بیشتری بر دهقانان وارد آورند و مال و جان آنانرا

بقیه از صفحه ۱۳

## ● گزانی بیداد می کند

این موسسات با اعتراض نسبت به این مساله برخورد می کنند.

## ● هجوم برای خرید ارزاق عمومی!!

حملات هوایی متعدد عراق به جزیره خارک موج تازه‌ای از نگرانی در رابطه با جنگ در میان مردم پدید آورده است. پس از آگاهی مردم از خبر حملات متعدد رژیم مرتجع عراق به خارک، مردم برای خرید ارزاق عمومی هجوم آورده‌اند. خرید مازاد بر احتیاج آرد، حبوبات و برنج چنان بود که در بازار جهت برقراری نظم برای خرید حبوبات، که صفهای طولی برپا شده بود، سیاه و کمیته مداخله نموده است و حبوبات با قیمت چند برابر در بازار سیاه بفروش می‌رسد.

## ● افزایش قیمت طلا و دلار

بدنبال قطع پرداخت ارز به مسافرین خارج از کشور قیمت دلار تا ۶۷ تومان بالا رفت و اکنون هم هر دلار معادل ۶۳ تومان در بازار سیاه بفروش می‌رسد.

قیمت طلا نیز در بازار رو به افزایش است و سکه طلا که تا ۴۳۸۰ تومان پایین آمده بود مجدداً افزایش یافته و اکنون به مبلغ ۴۴۶۰ تومان بفروش می‌رسد.

## ● شیشه دولتی و زد و بند در بازار

مدتی است که کار سهمیه بندی و توزیع شیشه توسط دولت انجام می‌شود و این خود باعث شده است که شیشه دولتی نایاب و شیشه بازار آزاد فراوان گردد! نرخ شیشه با نصب در حدود متری ۱۰۰ تومان است که با شروع فصل پائیز قیمت آن فعلاً تا ۳۰۰ تومان رسیده است. شیشه برها می‌گویند که سهمیه ماهانه ۱۵۰ متر است که البته موعد توزیع آن معلوم نیست و شیشه برها شیشه را در بازار آزاد متری ۲۴۰ تومان می‌خرند. نرخ نصب هم با افت و پرت حدود متری ۳۰ تا ۴۰ تومان است. بدین ترتیب با زد و بندی که صورت می‌گیرد شیشه متری ۱۰۰ تومان در بازار آزاد به ۴ برابر قیمت بفروش می‌رسد. چندی پیش در قیطره، مردم از شیشه‌بری که شیشه را متری ۳۵۰ تومان فروخته بود شکایت کردند اما توجهی به این شکایات و مراجعات نشده است.

## ● جمهوری اسلامی زمین‌ها و

منازل سرمایه‌داران را اجاره میدهد

مزارع و منازل متعلق به هزر یزدانی در سنگسر که توسط زحمتکشان منطقه مصادره شده بود پس از درگیری‌های توسط سیاه و نهادهای دیگر پس گرفته شد و مجدداً با اجاره‌های سنگین به مردم منطقه اجاره داده شد.



مایحتاج زندگی مردم روز بروز گرانتر می‌شود سهمیه‌های دولتی کمتر و در مقابل بازار سیاه گسترده‌تر می‌شود. سهمیه تخم مرغ که ماهی ۱ کیلو برای هر نفر بود در آبانماه به ۷۰۰ گرم تقلیل پیدا کرد و علاوه بر این قیمت آن در بازار آزاد به دانه‌ای ۲۵ ریال (یعنی شانه‌ای ۷۵۰ ریال) افزایش یافت پنیر دولتی کمیاب شده است اما پنیر تبریز به قیمت کیلوئی ۸۰ تومان در مغازه‌ها موجود است. در صورت آشنائی با مغازه‌دار، کره را می‌توان کیلوئی ۱۲۰ تومان تهیه کرده عدس نایاب شده و جاتی که پیدا شود کیلوئی ۶۰ تومان بفروش می‌رسد. قیمت گوشت همچنان ۱۱۰ تا ۱۳۰ تومان است. با وجود وعده‌های مکرر دولت نرخ سیب زمینی شکسته نشده و کیلوئی ۱۵ تومان بفروش می‌رسد. دستمال کاغذی کلا " نایاب و قیمت جعبه ۱۰۰ عددی آن بین ۲۰ تا ۲۵ تومان است. شکر را کیلوئی ۵۵ تومان و قند را کیلوئی ۶۰ تومان می‌فروشند. پودر لباسشویی نزدیک ۲ ماه است که نایاب شده است. علاوه بر این صدها مورد دیگر وجود دارد که تهیه آنها از بازار آزاد فقط با پول بسیار امکانپذیر است که بهیچوجه برای توده مردم و زحمتکشان مقدور نیست و بار کمبود و گرانی برقرده آنان تحمیل می‌شود. هم اکنون با شروع فصل سرما وضعیت نایابان توزیع مواد سوختی، مردم به فکر تهیه آذوقه و سوخت هستند و در حال حاضر کوبین نفت لیتری ۲۵ ریال در بازار سیاه بفروش می‌رود. اخیراً" برنج اروقوئه با کوبین جدیدی که دولت اعلام کرده است کیلوئی ۱۲۰ ریال فروخته می‌شود قبل از این برنج خارجی یعنی برنج امریکائی کیلوئی ۷۰ ریال بفروش می‌رسید.

خود دولت در این میان از همه دزدتر است و مردمی هم که بازار سیاه شیره‌شان را کشیده است حاضرند هر آشنائی را به نرخ دولتی بخرند. مثلاً" شرکت گوشتیران ( آرزومان سابق ) تحت پوشش دولت چیزی را بنام سوسیس آلمانی، کالباس مارتادلا و خشک و غیره بخورد مردم میدهد که قابل خوردن نیست. البته همین شرکت گوشتیران با این طرز کار در سال گذشته ۳۰ میلیون تومان سود داشته است و این پولی است که از مردم چاییده‌اند. در کنار این محصولات گندیده، پولدارها و ثروتمندان میتوانند بهترین نوع کالباس و ژامبون را که بوسیله بعضی از تولید کنندگان و بصورت محدود تهیه میشود در بعضی از مغازه‌ها به قیمتی بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ تومان خریداری کنند. اخیراً نیز " دولت مستضعفان" آبونمان و حق اشتراک تلفن را نیز از ۷۵ ریال در ماه به ۱۲۳۸ ریال افزایش داده است.

## ● بن خوار و بار بجای حقوق

در تهران حکومت اسلامی قصد دارد که در اکثر موسسات دولتی و کارخانجات، بجای حقوق بن خواروبار به کارمندان و کارگران این موسسات و کارخانجات بدهد. از هم‌اکنون کارکنان و کارگران

مورد تعرض قرار دهند بطور مثال در روستای نورآباد ایزده در جریان درگیری که میان دهقانان و یکی از مالکین بنام خان احمد بر سر تقسیم آب بوجود آمد یکی از کشاورزان به ضرب گلوله کشته شده. دهقان نورآبادی به ضرب گلوله تنگ یکی از ایادی خان احمد بقتل رسید اما با توجه به نفوذ خان احمد در ژاندارمری و حمایت مسئولین رژیم جمهوری اسلامی از نامبرده، پرونده قتل را اینگونه تنظیم کرده‌اند که شخص مقتول در نزاع تنظیم کرده‌اند که شخص مقتول در نزاع دستجمعی بقتل رسیده است تا خون او را پایمان و دهقانان دیگر را از ادامه مبارزه بترسانند اما این اقدامات دامنه نفرت و ناراضی دهقانان ایزده را که تجارب چندین ساله سابقه مبارزه دهقانی را پشت سر دارند گسترش داده و عزم آنان را در ادامه مبارزه راسخ‌تر کرده است.

## ● عراسن مرتجعین از جنبش دانشجویی

● جنبش دانشجویی طی یکساله گذشته، علیرغم همه فشارها و محدودیتهای در دانشگاههای مختلف حرکت رو به گسترش را ادامه داده‌است. فعالیت دانشجویان برای اعاده ابتدائی‌ترین حقوق صنفی در محیط آموزشی و همراه با آن گسترش مبارزه سیاسی و بخش اعلامیه‌ها و تراکتهای نیروهای انقلابی و مترقی و منجمله سازمان در دانشگاه تهران، علم و صنعت و ... مبارزه دانشجویان برای بازپس گرفتن خوابگاههای دانشجویی و غیره نمودهایی از این حرکت‌انده تشدید اختلافات و کشمکشها میان دسته‌بندیها و باندهای مختلف انجمن‌های اسلامی، جهاد دانشگاهی، ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، زمینه مساعدتری را برای فعالیت و افشاکریهای دانشجویان بوجود آورده است. بهمین دلیل است که باز هم " حزب‌اله " دانشگاه، در هراس از جنبش دانشجویی، بر دامنه تهدیدات و اقدامات ارتجاعی خود در سطح دانشگاهها افزوده است. اخیراً از طرف " حزب‌اله " دانشگاه علیه دانشجویانی که بجرم فعالیتهای آزادیخواهانه اخراج شده بودند و مجدداً تعداد محدودی از آنان به دانشگاه برگشته‌اند، بر در و دیوار دانشگاهها بویژه دانشگاه تهران و ملی، شعارهای ارتجاعی تهدیدآمیز نوشته شده‌است. بعنوان نمونه بر دیوار دانشکده‌های تهران نوشته‌اند " ضدانقلابیون برگشته بدانگاه، یا خودتان دانشگاه را ترک کنید یا بیرونتان خواهیم انداخت!"

" حزب اله " دانشگاه، چند ماه قبل نیز دکتر جناب‌زاده مسئول آموزش دانشگاه را که به گفته حزب‌الهی‌ها لیبرال بود و به تهدیدات آنان مبنی بر ترک دانشگاه توجهی نکرده بود، از دفتر کارش بر روی دست بلند کرده و در پیاده‌روی خیابان انقلاب رهایش کردند!! حزب‌اله دانشگاه برای نشان دادن قاطعیت خود، بارها نمونه فوق را مثال زده است.



## مذاکرات ژنو و صلح جهانی

و به همین دلیل میخواستند در چارچوب همزیستی صلح آمیز نظام‌های اجتماعی متضاد، بودجه نظامی خود را کاهش دهند و هزینه هر چه بیشتری را به تسریع انقلاب علمی و فنی اختصاص دهند. مذاکرات ژنو بدلیل مخالفت نمایندگان دولت آمریکا نتوانست به تصمیمات مشخصی در زمینه اهداف و پیشنهادات فوق دست یابد. با این همه، رونالد ریگان تحت فشار افکار عمومی مردم آمریکا و اروپا و مشکلات بزرگ داخلی نظیر کسری عظیم بودجه (کسری بودجه دولت آمریکا در حال حاضر ۲۱۹ میلیارد دلار و بودجه نظامی آن ۳۰۲ میلیارد دلار است) مجبور شد در یک بیانیه مشترک با مرتباً نقض می‌کند، صحنه گذارد. بعنوان مثال در این بیانیه بر ضرورت جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا و پایان دادن به آن در روی زمین، بر لزوم امتناع طرفین از تلاش برای دستیابی به برتری نظامی تاکید گردیده و گفته شده است که در جنگ هسته‌ای برنده‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد. دولت آمریکا در سال‌های گذشته با "مفید" و "ضروری" قلمداد کردن یک یا چند "جنگ هسته‌ای کوچک" و با اعلام طرح "جنگ ستارگان" همه این اصول را زیر پا گذاشته است. به همین دلیل، امضای بیانیه مشترک، هر چند که در عرصه مبارزه دیپلماتیک گامی نزرجهت تقویت گرایش صلح‌طلبانه در مناسبات بین‌المللی و روابط آمریکا و اتحاد شوروی بشمار می‌رود، ولی نتیجه عملی مذاکرات ژنو به گام‌های عملی بعدی وابسته است. در این مذاکرات از جمله مقرر گردید که دیدارهای مقامات اتحاد شوروی و آمریکا در سطوح مختلف ادامه یابد.

میخائیل گورباچف، در گزارش نتایج مذاکرات ژنو به پارلمان اتحاد شوروی، ترازنامه این مذاکرات را "در مقیاس جهانی مثبت" خواند. او اضافه کرد که "در عین حال، ما واقع بین هستیم و باید با صراحت بگوئیم که موفق نشدیم راه -

سرانجام پس از مدت‌ها کارتدراکاتی، مذاکرات میخائیل گورباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رونالد ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا درباره مسایل مربوط به صلح جهانی، در روزهای ۱۹ و ۲۰ نوامبر انجام گرفت. با این مذاکرات، در واقع یک دوره مبارزه حاد میان دو مشی در قبال مسئله جنگ و صلح به پایان رسید.

دولت آمریکا از شش سال قبل تاکنون، در تلاشی آشکار برای دستیابی به برتری نظامی بر اتحاد شوروی، سیاست افزایش تشنج، دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی در زمین و شروع مسابقه تسلیحاتی در فضا را دنبال کرده است. اعلام برنامه گسترده و پرهزینه "جنگ ستارگان" آخرین اقدام آمریکا در این زمینه است. ریگان برای پیشبرد این سیاست جنگ طلبانه و برای منحرف کردن ذهن عمومی کشورهای سرمایه‌داری از بحران حاد و مزمن این نظام، در سراسر این مدت پیوسته این دو ایده را تکرار کرده است. کمونیسم، منشاء همه بدبختی‌های جهان و به اصطلاح "امپراتوری شیطان" است. و چاره این وضع نظام سرمایه‌داری است.

در برابر این مشی، اتحاد شوروی همراه با دیگر کشورهای سوسیالیستی مشی کاهش تشنج بین‌المللی، جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا و پایان دادن به این مسابقه در روی زمین را دنبال نموده است. از جمله آخرین ابتکارهای مشخص اتحاد شوروی در این زمینه می‌توان از توقف یک جانبه آزمایش‌های هسته‌ای تا اول ژانویه ۱۹۸۶ و دعوت آمریکا به اقدام مشابه، پیشنهاد کاهش همزمان حجم سلاح‌های هسته‌ای آمریکا و شوروی به میزان ۵۰ درصد و متعاقب آن کاهش موشک‌های هسته‌ای میان برد در اروپا، و پیشنهاد مذاکره جداگانه بر سر سلاح‌های هسته‌ای انگلستان و فرانسه را نام برد. کشورهای سوسیالیستی برای دستیابی به هدف خود مبنی بر بنای جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار نیازی به جنگ ندارند

حل‌های برای مسائل بسیار مهم مربوط به توقف مسابقه تسلیحاتی پیدا کنیم. عدم تمایل رهبری آمریکا به تقبیح برنامه جنگ ستارگان مانع آن شد که در زمینه خلع سلاح واقعی، و قبل از همه در زمینه مسئله حاد سلاح‌های هسته‌ای و فضایی به توافق مشخصی برسیم."

گورباچف ضمن اشاره به مشکلات عظیم موجود در دوره شش ساله گذشته نظیر سیاست دولت آمریکا در زمینه تشنج فزاینده سیستماتیک، منجمد کردن روابط دو جانبه و تلاش آن برای دستیابی به برتری نظامی، اظهار داشت که "ولی مسئله دیگری هم وجود داشته که ما آن را نیز از نظر دور نداشتیم. این سیاست آمریکا بطور اجتناب‌ناپذیر می‌باید در تضاد با واقعیت‌ها قرار می‌گرفت. و دقیقاً چنین نیز شده. اتحاد شوروی و متحدینش با صراحت اعلام کرده‌اند که برتری نظامی بر خودشان را نمی‌پذیرند. اتحاد شوروی، ضمن پاسخ قاطع به مشی آمریکا مبنی بر هم زدن تعادل نظامی و استراتژیک، ابتکارات صلح طلبانه موشی را ارائه داد. این سیاست با تفاهم و حتی تائید بسیاری از خلق‌ها و دولت‌ها روبرو شد و "افکار-بین‌المللی بطور فعال از این پیشنهادات و ابتکارات دفاع کردند." گورباچف نتیجه‌گیری کرد که همه اینها عواملی است که توضیح می‌دهد چرا "فضای روابط شوروی و آمریکا، و تا حدود معینی رفتار بین‌المللی آمریکا بتدریج تغییراتی را نشان می‌دهد."

جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا، پایان دادن به این مسابقه در روی زمین، کاهش همه انواع تسلیحات و براین پایه تحکیم صلح جهانی، به نفع همه خلق‌های جهان است. تنها مشتی صاحبان انحصارات امپریالیستی و دولت‌های حافظ منافع آنها از تدارک برای جنگ جهانی سود می‌برند. گسترش و تقویت فشار توده‌ای برای صلح و علیه جنگ و پیوند زدن جنبش صلح با مبارزه در راه رهایی ملی و اجتماعی، موثرترین و مطمئن‌ترین راه دستیابی به این اهداف است. ●

## \* گزارش از خارک \*

بخصوص سیری حمل می‌کنند و در آنجا توسط موتورهای قوی، نفت را به نفتکش‌های بزرگ پمپاژ می‌کنند. البته رژیم جمهوری اسلامی برای صدور نفت از چندین ماه قبل، اقدام به اجاره ۱۲ فروند کشتی از سوئد و نروژ کرده است. کشتی‌های سوئد و نروژ مدت‌ها بیگار و در بنادر اینکشورها زنگ می‌زده‌اند. این کشتی‌ها برای مدت شش ماه و با اجاره روزانه ۲۵۰۰۰ دلار کرایه شده بودند. بعد از مدتی هیئتی که برای تجدید اجاره این کشتی‌ها اقدام می‌کند بصادقی موفق می‌شود قیمت اجاره را از ۲۵ هزار دلار به ۱۲ هزار دلار در روز کاهش دهد و بعد از مدتی نیز روشن می‌شود که قیمت اجاره روزانه هر کشتی حدود ۸ هزار دلار است. مسئولین مقامات دزد و بندوبست‌چی رژیم در اینجا همپای رژیم عراق دارائی و ثروت مردم ایران نابودی می‌کشاند.

(تی) از میان رفته است. از ترمینال تی کشتی‌های کوچک بارگیری می‌کردند چون ترمینال تی مختص کشتی‌های با ظرفیت پائین است. این کشتی‌ها بار خود را در جزیره سیری به کشتی‌های بزرگ پمپاژ می‌کردند با بمباران ترمینال تی امکان صادرات نفت به این شکل نیز از میان رفته است. از ترمینال اچ نیز کشتیهای بزرگ بارگیری می‌کردند. هواپیماهای عراقی در جریان حملات خود یکی از بالهای اچ را بمباران کرده‌اند. در جریان تعمیر اسکله تی که با شرکت ۲۰ کارگر جوشکار صورت می‌گرفت عراق مجدداً به اسکله حمله‌ور شد و عده دیگری از کارگران زحمتکش جان خود را در این بمباران وحشیانه از دست دادند. در حال حاضر تعدادی از کارشناسان هلندی برای تعمیر اسکله‌ها به خارک آمده‌اند. صدور مجدد نفت از خارک بدینصورت است که ابتدا نفت را توسط کشتیهای کوچک که ظرفیت کمتری دارند به جزایر اطراف و

در حمله جنایتکارانه هواپیماهای عراقی به خارک که در روز پنجشنبه ۶۴۰۷۰۱۸ صورت گرفت ۶ نفر از کارگران و کارکنان زحمتکش کشته و ۳۰ نفر دیگر زخمی شدند. کشته شدگان از کارگران و کارکنان اعزامی پالایشگاه تهران بودند. در حملات قبلی نیز تعداد دیگری از کارگران هدف بمبارانهای وحشیانه عراق قرار گرفتند و عده‌ای کشته و زخمی شدند. زخمی شدگان به بیمارستان شرکت نفت اهواز منتقل شدند. این حملات تکرانی شدید کارکنان شرکت نفت را بوجود آورده است و کارگران ساکن در جزیره خانواده‌های خود را به شهرهای خوزستان نقل مکان داده‌اند و بعلت بحرانی بودن اوضاع کارگران و کارمندان شدیداً از وضعیت محل کار خود ناراضی هستند.

خسارات و صدمات وارده به ترمینالها نیز بدینقرار است که طی حملات عراق وسط-ترمینال تی بشدت بمباران شده است و نتیجه انتقال نفت در امتداد -

## علیرغم بحران، مبارزه خلق فلسطین

### تاپیروزی نهائی ادامه خواهد یافت

ماه گذشته شیون پرز، نخست وزیر رژیم صهیونیستی اسرائیل، در جریان ملاقاتش از آمریکا نسخه تازه‌ای از " طرح کمپ دیوید " را تحت عنوان " ابتکار جدید دیپلماتیک " ارائه کرد. مطابق قرارداد کمپ دیوید که در سال ۱۹۷۸ بین کارتر، بکین و سادات امضاء شد مصر خیانت خود به خلق‌های عرب و بویژه خلق فلسطین را با انعقاد " پیمان صلح جداگانه " با اسرائیل تکمیل کرد و در ازای این خیانت شبه جزیره سینا را از اسرائیل پس گرفت. دولت اسرائیل، این بار اردن را مورد خطاب قرار داده و از شامحسین خواسته است در جهت امضای " پیمان صلح جداگانه " حرکت کند. این طرح نیز مثل همه طرح‌های آمریکا و اسرائیل بر پایه این اصل ارتجاعی تنظیم شده است که خلق فلسطین بعنوان ملت موجودیت نخواهد داشت و لذا حق تشکیل دولت مستقل را هم دارا نخواهد بود. به همین دلیل آمریکا و اسرائیل تلاش می‌کنند فقط با دولت‌های موجود عربی وارد مذاکره شوند و با امضای قراردادهای جداگانه سرزمین فلسطین را بین خود تقسیم نمایند. در حال حاضر شامحسین نقش خائنه خود را از طریق تلاش برای تقویت گرایش سازشکارانه در درون جنبش مقاومت فلسطین و بدست آوردن حق نمایندگی تام‌الاختیار خلق فلسطین پیش می‌برد. در این میان امضای توافقنامه بین شامحسین و یاسر عرفات در امان، که در فوریه سال جاری انجام گرفت و بر مبنای آن، یک هیئت نمایندگی مشترک اردنی - فلسطینی تشکیل شد، نقطه عطفی در تحولات درونی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) بشمار می‌رود.

ژرژ حبش، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین، که یکی از سازمان‌های اصلی تشکیل‌دهنده ساف است، در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه " عصر جدید "، مسائل موجود در سازمان آزادی‌بخش فلسطین را تشریح کرده است. خلاصه این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

\* \* \*

س. - نظر شما درباره توافق حاصل شده مبنی بر تشکیل هیئت نمایندگی مشترک اردنی - فلسطینی چیست؟

ج. - بر اساس توافقنامه منعقد در ۱۱ فوریه ۱۹۸۵ در امان، یک هیئت مشترک اردنی - فلسطینی تشکیل شده است. میهن‌پرستان فلسطین این توافقنامه را رد کردند ولی واشنگتن و رژیم‌های ارتجاعی وابسته به آن از آن استقبال نمودند. بنظر ما توافقنامه امان انحرافی خطرناک و مهم از مشی اساسی جنبش مقاومت فلسطین است. این توافقنامه دو اصل شالوده‌ای ساف را نقض می‌کند:

اصل اول، برنامه ملی ساف است که بر حق اعراب فلسطینی برای بازگشت به میهن خودشان و حق تاسیس دولت مستقل از سوی آنها تصریح دارد.

اصل دوم که نقض شده بر آن است که ساف

تنها نماینده برحق و قانونی مردم عرب فلسطین است.

توافقنامه امان، در هم‌نوایی با طرح‌های امپریالیستی و صهیونیستی، عملاً در صد آن است که سیاست معامله‌های جداگانه را به جنبش مقاومت فلسطین تحمیل کند و این جنبش را مجبور به پذیرش قرارداد رسوای کمپ دیوید و طرح ریکان نماید. و این کاری است که به تلاشی جنبش ما می‌انجامد.

انعقاد این توافقنامه، بخودی خود، به شان و اعتبار ساف در سطح منطقه، در جهان عرب و در سطح بین‌المللی بطور جدی آسیب می‌زند، شکاف در صفوف این سازمان را گسترده‌تر می‌نماید، اهداف مبارزه میهن‌پرستانه ما را به مخاطره می‌افکند، و دستاوردهای گذشته ما را بر باد می‌دهد. بعضی افراد پرنفوذ در رهبری ساف با تأیید توافقنامه امان، در واقع در چارچوب طرح‌های آمریکا و معامله‌های جداگانه در منطقه قرار گرفته‌اند.

س. - نظر شما درباره چشم‌انداز مبارزه خلق فلسطین برای حقوق عادلانه‌شان چیست؟

ج. - علی‌رغم بحران خطرناکی که ساف از سر - می‌گذارند، چشم‌انداز مبارزه ملی خلق فلسطین گسترده و مثبت است. خلق قهرمان ما عزم قطعی دارد که این مبارزه را تا تحقق کامل اهداف ملی‌شان ادامه دهد.

مبارزه خلق فلسطین از مبارزه اعراب و روند انقلابی در سراسر جهان جدائی‌ناپذیر است. ما در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، دوران پیروزی خلق‌های رنج‌دیده می‌کنیم که برای آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند. مردم فلسطین اعتقاد کامل دارند که مبارزه برای اهداف عادلانه قطعاً به پیروزی منجر خواهد شد.

این مبارزه از راه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. جنگ خلقی یکی از این راه‌هاست که در قوانین بین‌المللی نیز بعنوان یک راه برحق و قانونی برای رهائی میهن از اشغال صهیونیستها برسمیت شناخته شده است.

راه دیگری که با مبارزه مسلحانه توده‌ای پیوند دارد، کار درمیان توده‌ها و فعالیت سیاسی، ایدئولوژیک و دیپلماتیک است. یعنی همانگونه که می‌دانید ما مبارزه خود را از راه‌های مختلفی پیش می‌بریم. این واقعیت نیز مهم است که دیگر خلق‌های عرب نیز از هدف ما مبنی بر دستیابی به میهن‌مان و استقرار دولت مستقل فلسطین در آن حمایت می‌کنند.

حمایت بین‌المللی نیز، بعنوان جلوه‌ای از وحدت دیالکتیکی میان مبارزه ملی - میهنی و مبارزه جهانی در راه یک هدف عادلانه، برای ما بسیار اهمیت دارد. این وحدت، خود را به صورت همکاری و هماهنگی تلاش‌ها در مبارزه علیه امپریالیسم و برای پیشرفت اجتماعی و صلح نشان می‌دهد.

وقتی نیاز به چنین حمایتی برآورده نمی‌شود و یا نادیده گرفته می‌شود، زیان بزرگی به مبارزه میهن‌پرستانه وارد می‌شود و این به امپریالیستها و دست‌نشاندها آنها در تفرقه‌افکنی میان خلق‌های منطقه یاری می‌رساند. در این زمینه، درک این مسئله دشوار نیست که چرا امپریالیستها تا این حد تلاش می‌کنند مانع شرکت اتحاد شوروی، دوست وفادار و اصولی فلسطینی‌ها در حل مسئله خاورمیانه شوند.

اعتراضات توده‌ای در مناطق اشغال شده، جای برجسته‌ای در برنامه عمل ملی فلسطینی‌ها دارد. این اعتراضات همچنین پیوند نزدیکی با مبارزه خلق ما در خارج از میهن دارند...

س. - علت و مضمون اختلاف در جنبش مقاومت فلسطین چیست؟

ج. - علت عمده اختلافی که در جنبش ما و بویژه در ساف بوجود آمده است، حضور عناصر پرنفوذ بورژوا - کمپرانور در رهبری ساف است. پس از ۱۸ سالی که از مبارزه می‌گذرد، این عناصر با همه خصومیات طبقاتی خاص خود، مشکلاتی را بوجود آوردند که در سال ۱۹۸۲ منجر به تخلیه چریک‌های فلسطینی از بیروت گردید. آنها خود را در شرایطی قرار دادند که شکل اصلی مبارزه غیرممکن گردید، و راساً تسلیم بدبینی و توهم شدند. این عناصر همچنین تحت تاثیر تلاش‌های امپریالیستی قرار گرفتند که می‌خواست آنها را از موضع میهن‌پرستانه - شان جدا نماید و به سوی پذیرش طرح آمریکا برای مسائل خاورمیانه سوق دهد. باید بیاد داشت که طرح ریکان در اوایل سپتامبر ۱۹۸۲، یعنی زمانی مطرح شد که چریک‌ها بیروت را ترک می‌کردند. در همین مقطع بود که گرایش بعضی عناصر پرنفوذ در رهبری ساف به پذیرش راه‌محل آمریکا خود را نشان داد. بعنوان مثال، یاسر عرفات به جای اینکه همراه دیگر رهبران فلسطینی به دمشق برود، با حالتی نمایشی به یونان رفت.

عامل دیگری که باید یادآوری شود مداخله سیاسی غیرمجاز بعضی محافل عربی در امور فلسطینی‌ها بود. عناصر فوق‌الذکر در رهبری ساف، از این مداخله بعنوان پنهان‌ای برای توجیه انتخاب راه تسلیم طلبانه‌ای که از مدتها قبل در خفا در پیش گرفته بودند، استفاده کردند.

س. - نظر شما درباره احیای وحدت در ساف چیست؟

ج. - باید قبل از هر چیز تأکید کنم که خود وجود سازمان آزادی‌بخش فلسطین دستاورد مهم خلق ماست. فلسطینی‌ها مدت‌هاست که دور ساف بعنوان تنها نماینده برحق و قانونی خود گرد آمده‌اند. ساف تجسم منویات ملی جنبش مقاومت ماست. این امر باعث شده است که ساف از شهرت و اعتبار بالایی، هم در میان فلسطین و هم در عرصه بین‌المللی، برخوردار باشد. ما در مبارزه خستگی - ناپذیر خود برای تامین وحدت ساف بر اساس میهن‌پرستی و ضدیت با امپریالیسم از درک اهمیت عظیم این سازمان و ضرورت تحکیم آن بر این اساس حرکت می‌کنیم.

به نظر ما برای احیای وحدت در سازمان آزادی - بخش فلسطین ضروری است:

- اولاً، بطور خستگی ناپذیر علیه سیاست رویزیونیستی در همه اشکال ظهور آن مبارزه کنیم؛

- ثانیاً، قاطعانه و پیگیر برای الغای توافقنامه امان مبارزه کنیم چرا که پیروسی تحکیم ما با رد این سند پیوند دیالکتیکی دارد؛

- ثالثاً، وحدت همه میهن‌پرستان و دموکرات‌های درون ساف را تامین کنیم و در عین حال اتحاد با نیروهای انقلابی عربی و جهانی را حفظ نماییم.

خلق عرب فلسطین فقط از طریق مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک شدید و توده‌ای است که می‌تواند تلاش‌های موجود برای سوق‌دادن ساف به راه ارتداد را خنثی کند. شعار ما این است: وحدت بر اساس میهن‌پرستی و مبارزه سازش ناپذیر علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع!

### دولت گرانفروش، دولت گرانفروشان

کرانی درد بی درمان سرمایه داری است. سرمایه داران، در آشفته بازار سرمایه داری، تا جایی که بتوانند، همواره خواهان افزایش قیمت‌ها برای ازدیاد سود و انباشتن سرمایه‌های خویش هستند. "گرانفروشی" نیز چیزی جز تلاش هر چه بیشتر سرمایه داران، تجار و دلالان برای سودجویی هر چه بیشتر نیست. در شرایط جنگ، کمبود، قحطی و فلاکت، که این آشفته بازار، آشفته تر می‌شود، تلاش برای کسب سودهای کلان و غارت هر چه وسیع تر حاصل دسترنج توده‌های مردم، افزون تر می‌گردد.

به رغم همه قبیل و دادها و تبلیغات عوامفریبانه رژیم جمهوری اسلامی در مورد "مهاری" کرانی و "گاهش" نرخ تورم، کرانی و گرانفروشی در اغلب موارد، مخصوصا در مورد کالاهای اساسی، مواد غذایی و مسکن، همچنان ادامه دارد. هر کس که در اینجا زندگی می‌کند، خرج عائله‌ای را بر عهده دارد یا با خرید و فروش مایحتاج عمومی سرو کار دارد، این مسئله را آشکارا و هر روز ملاحظه می‌کند. گذشته از این، رژیمی که مدعی "مهاری" کرانی است، خود با سیاستها و اقدامات ضد مردمی خویش روز بروز به کرانی دامن می‌زند، خود به گرانفروشی می‌پردازد.

دولت جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه بطور متناوب بهای کالاها و خدمات تولید و توزیع شده

بوسیله موسسات دولتی، مانند آب، برق، گاز، سیگار، پست، تلفن، ایاب و نهاب و... را بالا می‌برد، علاوه بر اینکه هر روز مالیات و عوارض تازه‌ای را که بار اصلی آن بدوش کارگران، زحمتکشان و اقشار کم درآمد مردم است، وضع و وصول می‌کند، برای این که از قافله گرانفروشان عقبتر نماند، و بتواند تنگای مالی و کسری بودجه خود را به نحوی تخفیف دهد، آشکارا به ایجاد و تقویت بازار سیاه و گرانفروشی اقدام می‌کند. اعتراف دادستان کل رژیم در مورد گرانفروشی مدیران کارخانه‌های دولتی، نمونه گویایی در این مورد است. وی می‌گوید: "۳۰۰ مدیر دولتی جنس را از این کارخانه آورده و در بازار آزاد فروخته، یعنی کارخانه‌ای در دست دولت بوده خلاف کرده، چرا؟ چون کارخانه ضرر میداده و خواسته است کارخانه را به مرحله سوددهی برساند، تا یک مشت آدمهای منفی‌باف مزخرف نشینند و بگویند که هر کارخانه‌ای که در دست مدیر دولتی است ضرر می‌دهد... تودست مدیر دولتی رابازنگدار، بگذار جنسش را ببرد و در بازار آزاد بفروشد، آنگاه ببینید دو برابر کارخانه‌ای که در دست بخش خصوصی است سود می‌کند یا خیر..."

در همین حال، جالب توجه است که سر و صداها و ادعاهای سردمداران رژیم درباره "مبارزه" با گرانفروشی هم یابانی ندارد. همین چندی پیش بود که روزنامه جمهوری اسلامی از قول حاکم

شرع دادگاه صنفی نوشت: "طی سه سال گذشته توسط دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی بیش از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بعنوان جریمه از محکومین و گرانفروشان اخذ شده است" (۶۴/۷/۲۸). این گونه "جریمه‌ها" در مقابل سودهای کلان و مبالغ هنگفتی که هر روز و هر ماه بوسیله سرمایه داران و تجار عمده غارت و تصاحب می‌شود، دانه‌ای در برابر خورارهاست. طبق آمارهای رسمی دولتی سودبخش بازرگانی و مشاغل حرفه‌ای، فقط در سال ۱۳۶۲، متجاوز از ۳۷۰ میلیارد تومان بوده است. (کیهان ۶۴/۱/۶)

در واقع، باید گفت که این "جریمه‌ها" چیزی جز سهم دولت گرانفروشان از حاصل غارت و چپاول سرمایه داران و گرانفروشان دیگر نیست. دولت جمهوری اسلامی که خود نیز به تقویت بازار سیاه و گرانفروشی می‌پردازد، بخشی از سودهای کلان تجار و سرمایه داران را بعنوان سهم شراکت و حمایت خود دریافت می‌دارد. این همه دادگاه صنفی، کمیته و ستاد "مبارزه با گرانفروشی"، "گشت انصاراله" و... در واقع برای وصول این سهم شراکت بسنج شده‌اند، سر و صدای "مبارزه با گرانفروشی" و "جریمه گرانفروشان و محتکران" نیز که هر از چند گاهی عوامفریبانه از سر گرفته می‌شود، در حقیقت دعوای درونی و چانه‌زدن میان خود گرانفروشان برای تعیین و تصاحب سهم هر کدام از آنان است. ●

بالیستهای آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی و... خواهد رسید. درآمد حاصل از نفت و غارت و حیف و میل باقیمانده نختار ارزی کشور تکافوی هزینه‌ها و چپاولگری‌های رژیم ارتجاعی را نکرده و اکنون فروش باقیمانده ثروت‌های ملی، از جمله فروش نیروگاه برق، در دستور کار قرار گرفته است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای ادامه حیات ننگین خود حاضر به انجام هر جنایت و خیانتی است، و حراج ثروت‌های ملی نیز یکی از آنهاست. در دوره مشروطیت، صابر شاعر آذربایجانی در مورد قراردادهای اسارت‌آور حکام قاجار و فروش ثروت‌های ملی شعری سروده بود که در مورد سیاست‌های رژیم فعلی نیز صادق است: **آچمی‌شام "ری" ده گمیش بیر مغذا یازمی‌شام اعلانی من بیر کاغازا. ای آلان مملکت "ری" ساتیرام چوخ‌وجوز قیمته هر شی ساتیرام که ترجمه آن به فارسی چنین می‌شود: دکان بزرگی در "ری" باز کرده‌ام و در اعلانی‌ای نوشته‌ام که ای خریدار! مملکت "ری" را می‌فروشم و به قیمت خیلی ارزان همه چیز را می‌فروشم. ●**

رژیم برای تامین کسری بودجه، چنین گفت. فکر دیگری که وجود دارد اینکه حدود ۴۰۰ میلیارد ریال از (کمبود) درآمدهای نفتی را با مکانیزم‌هایی به پروژه‌های عمرانی بزرگ کشور وصل کنیم... برای پیر کردن این شگاف ۴۰ میلیارد تومانی، بر اساس تمهیداتی قرار است که بخشی از پروژه‌ها به کشورهایی که در اجرای پروژه‌های بزرگ با ما همکاری دارند... فروخته شود. مثلا در مورد نیروگاه همدان که اخیرا با ژاپنی‌ها به امضا رسید، این امر صورت گرفته است... رژیم جمهوری اسلامی که در تلاش برای بازسازی سرمایه داری وابسته و تخفیف بحران اقتصادی حاکم، طی چند سال گذشته، قراردادهای متعدد و "پروژه‌های مشترک" بسیاری را در جهت احیاء و تشدید وابستگی اقتصادی کشور به اجرا در آورده و می‌آورد، اکنون در حال فروختن پروژه‌های بزرگ به انحصارات امپریالیستی است. اجرای این سیاست ضد ملی و ضد خلقی ابتدا از ژاپن که به ادعای رژیم "امپریالیسم خطر" قلمداد می‌شود آغاز گردیده است و البته در مرحله بعدی نوبت کمپانی‌های انحصاری امپری-

تنگناهای مالی رژیم و فروش ثروت‌های ملی رژیم جمهوری اسلامی که بواسطه سیاست‌های ضد انقلابی خود بحران اقتصادی را تشدید کرده و در تنگای مالی شدیدی گرفتار شده است، در تلاش برای خلاصی خود از این تنگنا و بن‌بست، هر روز به جنایت تازه‌ای دست می‌یازد. رژیم ارتجاعی برای تامین هزینه‌های دستگاه عظیم سرکوب و اختناق، برای تامین مخارج ادامه جنگ ویرانگر و برای تداوم تاراج، بند و بست‌ها و دزدی‌های خود، به منابع مالی بیشتر و غارت و چپاول گسترده‌تری احتیاج دارد. درپی سیاست‌های رژیم در مورد فروش خانه‌های سازمانی و مجتمع‌های آپارتمانی به صاحبان مستغلات، فروش اتوموبیل‌های دولتی، فروش سهام دولتی "سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی"، فروش کارخانه‌های دولتی و مصادره شده و... اکنون فروش "پروژه‌های عمرانی" به سرمایه‌داران و انحصارات خارجی مطرح شده است. زنجانی، قائم مقام نخست وزیر در وزارت برنامه و بودجه و وزیر برنامه و بودجه کنوسی، در مصاحبه‌ای با کیهان در زمینه بودجه سال ۱۳۶۵ و تمهیدات

هشدار داد و خواهان اعتراض مجامع بین‌المللی نسبت به این فجایع گردید. همچنین در همان روز فعالین سازمان در انگلستان با برپایی یک حرکت اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن و با شعارهای مرگ بر خمینی، نفرت و انزجار مردم ایران از این جنایات رژیم را بگوش مردم جهان رساندند. در این تظاهرات اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای بزرگ فارسی و انگلیسی پخش شد و مورد استقبال انبوه مسافریان ایرانی و مردم لندن قرار گرفت. فعالین سازمانی سپس با حضور در دفتر روزنامه‌ها و جراید انگلیسی اطلاعاتی‌ها در محکومیت اعداء دستجمعی زندانیان سیاسی و تقاضای افکار بین‌المللی در اختیار آنان قرار

ملل و خیابانهای اطراف را پوشانده بود. رفقا برای مردمی که با علاقه و احساس همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و نفرت از رژیم خمینی در اطراف جمع میشدند، جنایات رژیم را توضیح میدادند و اعلامیه کمیته خارج از کشور بر زبان فرانسه را توزیع میکردند. کمیته خارج از کشور سازمان طی نامه‌ای خطاب بدبیر کل سازمان ملل که در همان روز بدفتر نمایندگی سازمان ملل در پاریس ارائه شد، ضمن یادآوری جنایات رژیم و اعدام بیش از ۱۰۰ تن از زندانیان سیاسی طی دو ماهه اخیر، نسبت به خطر اعدام دیگر زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی

اعتراض علیه جنایات رژیم در پاریس و لندن در اعتراض به جنایات رژیم جمهوری اسلامی و موج اعدام‌های دستجمعی زندانیان سیاسی در اوین و سایر زندانهای رژیم، از طرف کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان خلق ایران، یک اقدام اعتراضی در برابر دفتر سازمان ملل و یونسکو در پاریس و خبرگزاری فرانسه در تاریخ دوشنبه ۴ آذرماه با شرکت هواداران و اعضاء سازمان در پاریس صورت گرفت. پلاکاردهای دفاع از زندانیان سیاسی ایران و محکومیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در پیشاپیش اجتماع کنندگان برافراشته شده بود و فریاد شعارهای مرگ بر خمینی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد محوطه جلوی دفتر سازمان

